

حجاب

﴿ جلد دوم ﴾

تقدیر به:

تک بانوی عرصه‌ی ایثار، پشتیبان ولایت و نامی شفاعت

حضرت صدیقه‌ی طاهره، اُمّ ابیها، **فاطمه‌ی زهرا** (سلام الله علیها)

مادر سرچشمه‌گیتی...

﴿ به مناسبت میلاد بانوی دو عالم و بزرگداشت مقام مادر ﴾

غنچه‌ای در سبزه زار زیبای طبیعت شکفت و کلمه‌ی مادر، در پهنه گلبرگان سرخ آن او که همچون خون مادر است، بیرون جهید و خود را در آسمان بی‌کران آبی سوار بر بال پرندۀ محبت دید.

آری! به راستی مادر کیست که گیسوانش هم چون گیسوان فرشته‌طلابی است؟

مادر کیست که مزمه محبتش لالایی اوست؟

مادر آنست که گهواره چوبین فرزندش را از لابلای صخره‌ها و از میان آبشارها و صدها گل زیبای یاسمن بیرون می‌کشد و بادستان مهرآمیزش آن را تکان می‌دهد...

مادر آنست که اشکش همچون شبنم بر قلب گلبرگ، گل عشق است، صدایش هم چون مرغ غزل خوان در طبیعت است و بوسه اش همچون نور خورشید بر سبزه زار است و استواریش همچون کوهی بر دل خاک... وجودت را ارج می‌نهم و بوسه بر جای پایت می‌زنم.

آرتار جیمی



«دستگاه های استکباری دنیا و آمریکا از تبلیغات برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشور استفاده می کنند و البته به آن دستگاه های تبلیغی گفته ام که: این که شما سر نوشت کشورهای اروپای شرقی را در ایران دنبال کنید، خیال خام است. اما متاسفانه همان دشمنی که بوسیله ی تبلیغات خود، همتش این است که کشور را ساقط کند، امروز در داخل پایگاه پیدا کرده است؛ بعضی از مطبوعات پایگاه دشمن شده اند.»

مقام معظم رهبری - اردیبهشت ۱۳۷۹

از جمله مباحثی که همواره به عنوان يك موضوع بحث برانگیز و جنجالی، مطرح بوده، ذهن و ضمیر انسان ها و جوامع بشری را به خود معطوف و مشغول ساخته است، مقوله حجاب و تعیین حدود و ثغور آن، بوده است. عده ای رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع تلقی کرده و مدعی هستند که رعایت حجاب برای خانم ها دست و پاگیر بوده و مانع فعالیت های آنها در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می شود و از این ناحیه، آسیب های اقتصادی به جامعه و پیامدهای روحی و روانی برای خانم ها به ار مغان می آورد!

برخی دیگر، قانون حجاب را مغایر اصل آزادی و دموکراسی معرفی نموده و با جدیت تمام با آن مخالفت می کنند و با کسانی که با میل و رغبت، حجاب و پوشش شان را به عنوان يك وظیفه و تکلیف رعایت کرده و در اجتماع ظاهر می شوند با شدت برخورد کرده و از امتیازات اساسی و مهم اجتماعی مثل رفتن به مدرسه، دانشگاه، استخدام در ادارات دولتی و گرفتن گذرنامه و... محرومی کنند، آن هم در کشورهایی که خود را مهد فرهنگ و تمدن و پایه گذار دموکراسی معرفی کرده و از آزادی های فردی و اجتماعی دم می زنند!

عده ای قابل توجه نیز حجاب را به عنوان يك اصل و رعایت آن را در جامعه لازم و ضروری دانسته و از آن دفاع و حمایت می کنند.

هر يك از این گروه ها از راه و روش خاصی پیروی کرده و ضرورت رعایت حجاب را از منظرهای مختلفی بیان داشته اند. در سال های اخیر، روند شبهات درباره حجاب و پوشش اسلامی، شدت یافته است و مطرح شدن شبهات فراوان در زمینه حجاب برتر به همراه عوامل دیگری مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از این مسأله و ضرورت آن موجب تهدید امنیت اجتماعی و اُفت روند استفاده از مصادیق چنین حجابی در جامعه شده است، که نتیجه اتخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات و رواج پوشش های نامناسب در مقابل نامحرمان است.

آنچه مسلم است با گذشت نزدیک به ده سال از بیانات رهبر عزیز انقلاب در مورد نوشته های برخی از نویسندگان به ظاهر روشنفکر در مطبوعات کشور باز برخی از این نویسندگان در پوست دینداری و دلسوزی حرف ها و حدیث های دوپهلودر مجامع مختلف می گویند و می نویسند و متاسفانه بعضی از جوانان ساده لوح با تایید این نکته ها آتش در خرمن اجتماع زده و به مراتب باعث ناراحتی حضرت ولی عصر (عج) می شوند. در اینجا به برخی از جملات این، به ظاهر روشنفکران در مطبوعات مختلف می پردازم:

- ✓ توهمتهاجر فرهنگی ناشی از احساس ضعف و ترس است. ﴿مجید شریف، هفته نامه ی آبان، شهر پور ۸۵﴾
- ✓ قرآن حجاب و عفت را منوط به ایمان می داند؛ یعنی گناه می داند ولی جر نمی داند. پس اگر کسی ایمان نداشت می تواند بی حجاب هم باشد. ﴿فرهاد بهبهانی، روزنامه ی نشاط، ۱۷/۳/۸۶، ص ۳﴾
- ✓ از دیدگاه بنده امر به معروف و نهی از منکر که در اسلام واجب است به معنای در نظر گرفتن حکومت و پاییدن قدرت حاکمه است؛ نه نظارت مردم بر مردم که مثلاً خانم یا آقا حجاب را درست کن. ﴿عزت الله سبحانی، روزنامه ی فتح، ۲۰/۱۱/۸۷، ص ۷﴾
- ✓ احکام اسلام آمیخته به اسطوره اند و اگر از آنها اسطوره زدایی شود به راحتی به مرور زمان قابل تغییر اند؛ مثلاً حجاب جنبه ی اسطوره ای دارد، نه اینکه با آن عفت حفظ شود. بله، عفت باید حفظ شود ولی حفظ آن در هر زمانی به یک روش است و آن روشی است که عرف زمان آن را پسندد. ﴿عبدالکریم سروش، ماهنامه ی زنان، دی ماه ۸۴، ص ۳۳﴾
- ✓ قوانین شرعی در مورد زنان ظالمانه است. ﴿مهرانگیز کار، روزنامه ی عصر آزادگان، ۱۷/۱۱/۸۷﴾

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده اند. در حقیقت، هدف کلیه آموزه هایی که از سوی خالق حکیم صادر می گردند چیزی جز پاسخ گویی به همه نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی انسان نیست. در نتیجه، احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با توجه به همین غایت و هدف صادر شده اند. لذا ما به منظور اینکه اسلام، مشوق حجاب و پوشش کامل برای زنان و دختران در برابر افراد نامحرم است، به بیان هدف و فلسفه این مصداق مهم اسلامی و رابطه فراگیر و تنگاتنگ آن با امنیت اجتماعی از جنبه های مختلف می پردازیم.

آنچه در این مجموعه از منظر شما می گذرد، نگاهی شفاف به مسئله ی حجاب از دیدگاه اسلام و سیر تاریخی آن در ایران داشته است. این مجموعه شامل هفده فصل مجزا در سه جلد بوده و جلد دوم آن، هم اکنون در اختیار شماست؛ امید است مورد پسند و استفاده ی شما خواننده ی گرامی قرار گیرد.

آرتار جیمی

مدیریت وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی

خیمه گاه

بیستم مهر ماه سال یکهزار سیصد و هشتاد و هفت شمسی

فصل هفتم

مجاب به عنوان امری نسبی؟

حجاب به عنوان امری نسبی؟

روزی مقاله ای در مورد نسبی بودن حجاب و دلایل قرآنی آن از یک نویسنده ی به قول خودش محقق قرآنی خواندم . در این فصل با مکتوب نمودن آن مقاله به تقد آن می پردازیم .

متن مقاله ی ارائه شده :

روشن شدن مسئله لباس و پوشش زنان برای کسانی که فقیه نیستند ، تنها از طریق مراجعه به قرآن ، عملی خواهد بود که نشان می دهد در هیچ یک از آیات پوشش زنان ، اشاره ای به پوشاندن سر نشده ، بلکه آنچه آمده است ، تنها پوشاندن گردن و گریبان (سینه) است . اگر قرار باشد در مورد روشن شدن مسئله لباس و پوشش زنان ، به روایت ، سنت و مستندات رایج فقهی بسنده کنیم ، این مسئله هیچ گاه برای امثال من که فقیه نیستم ، روشن نخواهد شد ؛ مگر آنکه ابتدا میان متن سنت و متن قرآن تفاوت قائل شویم و به جای استناد به روایات و نظریه های فقهی ، به خودمتن قرآن مراجعه کنیم .

طرح این سخن ، به معنای رد یا قبول آرای فقه های دوران گذشته یا اکنون در باره حجاب نیست ، بلکه به این معناست که فکر می کنم امروز طبقه ی فرهنگی میانه ای پدید آمده است که می خواهد جدای از فتاوا و مسئله تقلید ، خودش هم معنای حرمت ها را بفهمد . بنابراین آنچه می نویسم ، نه حکمی شرعی و نه استنباطی فقهی است ؛ بلکه به عنوان « کند و کاو » پژوهشگری است که با متن قرآن سر و کار دارد .

نکته ی اول اینکه شاید فقیهان هر دوره ای برای سامان دهی روزگار خود و متناسب با شرایط فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی همان روزگار ، استنباط خود را از مسئله حجاب بیان کرده و می کنند ، اما به نظر می رسد که نقطه کانونی در شکل گیری مضامین فقهی ، دورانی بوده که با روزگار صدر اسلام فاصله ای جدی و تفاوتی بنیادی داشته است .

اکثر مضامین فقهی و حقوقی ما و همچنین آنچه به عنوان فرهنگ اسلامی می شناسیم ، در دوران امپراتوری عباسیان شکل گرفته است که ساختار اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی این دوره با روزگار بعثت که هنوز دولتی تشکیل نشده بود ، بسیار متفاوت است ، زیرا به نظر می رسد که مدینه در روزگار بعثت ، حتی از روستاهای امروزی هم شاید جمعیت کمتری داشته و چندان جامعه گسترده و پیچیده ای نبوده است که برای اداره آن حتی نیاز به نهادهای حکومتی باشد .

در این مورد ، نکته قابل تأمل این است که به جز متن قرآن ، هیچ اثر مکتوب و مستندی که تدوین آن به پیش از دوره بنی عباس مربوط باشد ، در دست نداریم . از این جهت می توان احتمال داد که همه متون فقهی ، فلسفی ، کلامی ، عرفانی و ... ، بیشتر متناسب با ساختار امپراتوری اسلامی شکل گرفته و نه آنچه قبلاً در حجاز و در زمان پیامبر به عنوان اسلام مطرح شده است .

نکته ی دوم اینکه متن قرآن را نیز نمی توان به درستی فهمید ، مگر با شناخت معیارهای زبانی همان روزگار بعثت در حجاز ، که البته این نیز کار چندان آسانی نیست ، زیرا بسیاری از واژگان در طول تاریخ و به ویژه در دوره ی ۵۰۰ ساله امپراتوری عباسیان ، معناها و مصداق های متفاوتی از اصل خود پیدا کرده اند .

مجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیمه گاه
نکته ی سوم اینکه اگر آیاتی را که امروزه مربوط به حجاب می دانند، با دقت و با همان معیارهای زبانی دوره ی بعثت مطالعه کنیم در می یابیم که در هیچ کجای قرآن نیامده است که زنان باید موی سر خود را بپوشانند؛ اما این هست که زنان مؤمن سعی کنند تا پوشش و رفتارشان به گونه ای باشد که مردان بیگانه به آنان طمع نکنند.

و نکته ی آخر اینکه به نظر می رسد طرح مسئله پوشش زنان از سوی قرآن، ارائه راهکاری است برای مردان و زنان آزادی که به امر متعالی ایمان آورده و دوست دارند خود را از گزند آشوب های جنسی و نگاه های آلوده مردان هوسران برکنار نگه دارند.

وی در ادامه اشاره ای کوتاه به آیه مربوط به پوشش زنان در قرآن کریم داشته و ادامه می دهد:

قرآن مجید در دو جا درباره نوع رفتار و پوشش زنان، به تصریح سخن گفته است: یکی، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره ی نور و دیگری، آیات ۵۷ و ۵۸ سوره احزاب.

در «سوره نور» پیش از آن که به آیه مربوط به پوشش زنان پرداخته شود، ابتدا از زنان پاک دامن یاد شده است که برخی کسان به آنان تهمت زنا می زنند [۱] سوره ی نور آیه ۲۳. سپس در آیه ۲۵ همان سوره از وضعیتی یاد می کند که زنان و مردان آلوده برای هم، و زنان و مردان پاک برای هم خواهند بود. مضمون آیه به گونه ای است که انگار این انتخاب به طور طبیعی صورت می گیرد، اما از نوع خباثت (آلودگی) و نوع طیبه (پاکی) سخنی به میان نیامده است؛ لکن با توجه به آیه قبلی که درباره تهمت زنا آمده، محتمل است که منظور از آلودگی، همان آلودگی به انگاره های ذهنی و تمایل به زنا با دیگری باشد؛ یعنی برخی هستند که ابتدا زنان پاک دامن را به زنا متهم می کنند تا بعداً اگر فرصتی دست داد، خود را مجاز بدانند که با آنان زنا کنند. و همچنین ممکن است «طیبه» بودن زن و مرد به معنای پرهیزکاری از وسوسه های زنا و مبرا بودن آنان از زناکاری باشد.

در آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره نور خطاب به کسانی که ایمان آورده اند، آمده است:

«به خانه هایی که غیر از خانه خودتان است، داخل مشوید تا اجازه بگیرید و سلام کنید (تسلیم اهل آن خانه باشید؛ تَسَلَّمُوا - بی گزند و سالم باشید). این برای شما بهتر است که پند گیرید. پس اگر کسی را در آن نیافتید، داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود. و اگر به شما گفته شد برگردید، پس برگردید. او برای شما پاکیزه تر است و خدا به آنچه می کنید داناست. بر شما پروایی نباشد که به خانه های غیر مسکونی که متاعی برای شما در آن است، وارد شوید و آنچه را آشکار می کنید و پنهان می کنید، خدا می داند.»

از مضمون این آیات چنین برمی آید که شکل و چگونگی معماری خانه ها و درگاه های ورودی آنها به گونه ای ابتدایی بوده است و بسا خانه ها که به جای درب های با قفل و بند، فقط از پرده آویخته ای که بر درگاه خانه نصب می شده، برخوردار بوده است.

واژه حجاب نیز در قرآن به معنای پرده ای است که دو قلمرو را از هم جدا می کند؛ مانند همان پرده ای که بر درگاه خانه می آویختند. بنا بر این در مواقع عادی، هر کسی می توانسته سرزده و بدون اعلان قبلی، پرده را پس بزند و وارد خانه ای بشود. همچنین به آن سبب که مسلمانان خود وارد شوند و بسا که در پاره ای مواقع همسر صاحبخانه تنها در خانه بوده باشد.

مشابه همین توصیه که بدون اجازه وارد خانه ای نشوید، در آیه ۵۳ سوره احزاب خطاب به مؤمنان در مورد خانه پیامبر آمده است که بی اجازه وارد خانه ایشان نشوند و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستند، از همان پس پرده (من وراء حجاب) حاجت خود را بگویند.

نکته ی جالب توجه در این آیه آن است که مردان باید از پس حجاب با زنان سخن بگویند؛ به تعبیر دیگر اگر حجاب، پوشش برای زنان می بود، طبیعاً به زنان توصیه می شد که حجاب خود را حفظ کنند، در حالی که در قرآن چنین چیزی دیده نمی شود.

توجه به این نکته نیز مهم است که احتمالاً در حجاز به دلیل کمبود چوب نمی توانستند همه خانه ها را مجهز به درهای محکم و قابل استفاده ای کنند. این کمبود به اندازه ای بوده که حتی برای تعمیر بنای کعبه در قبل از بعثت، ناگزیر چوب های برجای مانده از یک کشتی شکسته رومی را که در سواحل جدّه یافته بودند، به مکه آورده و مورد استفاده قرار دادند.

قرآن در آیه بعدی [۲] همان، آیه ۳۵ می فرماید:

« به مردان با ایمان بگو نگاه فرو کاهند و فروج خویش را حفظ کنند که آن پاکیزه تر، است، زیرا خدا به آنچه می سازند آگاه است. »
« یغضوا من ابصارهم » تنها به معنای به پایین نگاه کردن، یا چشم فرو بستن نیست بلکه به معنای کاهیدن چیزی از نگاه است. این واژه برای فرو کاستن اصوات و صدای خود را پایین آوردن هم آمده است [۳] حجرات آیه ۳؛ مثل آتش سرکشی که شعله هایش را مهار کنند و پایین آورند؛ به تعبیر دیگر، آدم ها هنگام نگاه کردن به هم می توانند چیزهایی را در نگاهشان به یکدیگر منتقل کنند که ممکن است آن چیزها با سخنی که می گویند، متفاوت باشد. با توجه به اینکه بعد از « یغضوا من ابصارهم » بلافاصله « یحفظوا فروجهم » آمده است، می توان گفت که آنچه در نگاه باید فرو کاهیده شود، حس جنسی نسبت به طرف مقابل است؛ اما این کار در صورتی موفق خواهد بود که طرف مقابل (جنس مؤنث) به همانگونه از نگاه معطوف به جنسیت بکاهد. این است که در آیه بعد [۴] سوره ی نور یعنی آیه ۳۱ خطاب به زنان ایمان آورنده آمده است:

« نگاه خود را فرو کاهند، فروج خود را حفظ کنند، زینت خود را آشکار نکنند، مگر آنچه از آن آشکار است. »

تا این قسمت از آیات چندان مورد مناقشه نیست، اما جمله بعدی که در ادامه آیات مزبور آمده، تلقی ها و ترجمه های متفاوت و گاه ضد و تقیضی از آن ارائه شده است. این جمله عبارت است از:

« وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰی جَبُوِهِنَّ »؛ [۵] همان. و خمارهای خود را بر گریبان های خود بزنند. »

« خمر » جمع « خمار » از ریشه « خمر » گرفته شده است. مسکرات را به آن دلیل خمر گفته اند که هوشیاری را می پوشاند. همچنین هر پارچه، یا پوست دباغی شده که پوشش برای چیزی یا جایی محسوب شود، « خمار » نامیده می شود؛ به تعبیر دیگر، « خمار » به معنای « مقنعه - روسری » یا چادر نیست، مگر آنکه آن را بر سر نهند؛ آن گاه طبیعاً نامش « مقنعه - روسری » خواهد بود. اما در آیه فوق، سخن بر سر این نیست که خمار خود تا روی سینه ها بکشاند، بلکه می فرمایند: خمار خود را بر روی سینه زنند؛ به تعبیر دیگر اگر در آیه فوق به جای حرف « علی - بر روی » از حرف « الی - تا » استفاده شده بود، می توانستیم چنین استنباط کنیم که پارچه ای را به عنوان روسری استفاده می کردند و در این حال آیه می گوید ادامه همان پارچه روسری را تا روی سینه ها پایین آورند؛ اما در این آیه، نه از واژه مقنعه استفاده شده است و نه از حرف « الی ». حتی به نظر می رسد که واژه مقنعه، نامی متأخر نسبت به زمان بعثت باشد. متأسفانه من هیچ موزه خاصی را ندیده ام که در آن، نمونه هایی از پوشش مردان و زنان آن زمان را به نمایش گذارده باشند، اما از قراین چنین بر می آید که وضعیت لباس در آن روزگار، برای مردم آن سامان، به ویژه برای مردم بدوی و صحرا نشین، بسیار ساده

و ابتدایی بوده است. این گمانه را با احصای نام‌هایی که در شعر جاهلی عرب و همچنین در قرآن برای انواع لباس‌ها دیده می‌شود، می‌توان بهتر دریافت؛ به تعبیر دیگر با آنکه زبان عربی در هنگام بعثت از خزانه واژگان و نام‌های مورد نیاز خود را پدید آورد، اما به نظر می‌رسد که نام‌های مربوط به لباس و پوشش، در فرهنگ و زبان آن روزگار نسبت به دوره‌های بعد، چندان زیاد نباشد.

احتمالاً در عرف معمولی آن زمان، هر زن و مردی با یک پیراهن بلند که بر تن می‌کرد، دارای لباس محسوب می‌شد. همچنین بسیار بعید می‌نماید که در آن شرایط، مردم عادی، اعم از زن و مرد، دارای زیر جامه بوده باشند. این وضعیت نه تنها برای اعراب آن زمان، بلکه برای بنی اسرائیل هم زمانی که در صحرای سینا بودند و تا حدود زیادی شرایط مشابهی با اعراب داشتند، وجود داشت. حتی در یکی از توصیه‌های تورات به بنی اسرائیل آمده است: که از پله‌های مذبح بالا نروند، مبادا که عورت آنان به هنگام بالا رفتن از پله‌ها، در آن مکان مقدس مکشوف گردد.

اگر این پیش‌فرض‌ها را مورد تأمل قرار دهیم، می‌توانیم اهمیت آیه‌ی فوق را درباره‌ی قرار دادن پوشش اضافی در روی گریبان و سینه‌ها درک کنیم. همچنین می‌توانیم تفاوت لباس‌های چسب و تنگ را با لباس نسبتاً گشادتر (جلباب) دریابیم.

در ادامه [۶] همان آیه، سلسله مراتبی را درباره‌ی مواجهه زنان با مردان، بدون استفاده از «خمار» برمی‌شمارد که به نظر می‌رسد در این ترتیب، نوعی نسبی‌گرایی در مواجهه زن با دیگران نهفته باشد. در شرح این سلسله مراتب، اولین کسی که این معنا در برابر او دیده نمی‌شود، شوهر زن است که شریک جنسی او نیز محسوب می‌شود. در رده بعدی، پدر زن و پدر شوهر اوست و همین‌گونه رده‌های بعدی، از فرزندان خود زن گرفته تا برادرها و برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها و... به ترتیب نام برده می‌شوند تا جایی که به مردان غیر خویشاوندی می‌رسد که بدون دغدغه جنسی و بدون نیرنگ و مکرری در این مورد هستند و از آنان با نام «تابعین غیر اولی‌الاربه» یاد شده است.

برخی تفاسیر و همچنین ترجمه‌ها از این مردان به نام «خادمان خصی شده» یاد کرده‌اند که به علت خصی شدن، نیاز و رغبتی به مسائل جنسی ندارند؛ اما اولاً: معنای اولیه «غیر اولی‌الاربه» چنین چیزی نیست. «اربه» از ریشه «ریب» به معنای مشکوک و ناپسند است؛ دوم اینکه، بسیار بعید است که در صدر اسلام و در زمان حیات پیامبر که هنوز مسلمانان امپراتوری تشکیل نداده بودند و حرمسرای آن چنانی پدید نیآورده بودند، چنین رسمی در میان آنان بوده باشد که بردگان را اخته کنند تا هنگامی که در حرمسرا رفت و آمد می‌کنند، خطری برای بانوان حرم نداشته باشند.

توصیه‌ای دیگر که پس از شمردن این مراتب به زنان شده است این است که:

« لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن » [۷] احزاب آیه ۵۹.

این جمله با آنکه بسیار مختصر بیان شده، اما چنان همه‌جانبه و مفید است که می‌تواند گونه‌های مختلفی از اطوارهای زنی را واگوید که دوست دارد به طریقی خود را بنمایاند؛ مانند زنی بدوی که با پای کوبی‌ها و به صدا درآوردن خلخال‌های پایش، می‌خواهد دیگران را متوجه خود کند.

در پایان آیه [۸] نور آیه ۳۱ آمده است که:

« و باز گردید به سوی خدا، همه شما ای ایمان آورندگان (اعم از زن و مرد)، باشد که رستگار شوید. »

آیه دیگری [۹] احزاب یعنی آیه ۵۹ آمده که، به زنان رسول و دیگر زنان مؤمن برای اینکه مورد آزار برخی مردان قرار نگیرند، توصیه هایی در باره جلباب شده است :

« ای پیامبر، بگو به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنین که فرو گیرند بر خود از جلابیب . این نزدیک تر است برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده و مهربان است. »

نکته های مبهمی در این آیه برای ما هست که گشودن آن شاید چندان کار آسانی نباشد؛ از جمله اینکه : « جلباب » در آن روزگار به چه چیزی گفته می شده و آیا واقعاً نوع خاصی از لباس بوده است؛ این لفظ از ریشه « جلب » می باشد و اگر جلباب به معنای پوششی گشاد باشد که برجستگی های بدن را نشان ندهد و موجب جلب توجه دیگران نشود، باز هم هیچ اشاره ای نیست که زنان موی سر خود را بپوشانند یا نپوشانند .

نکته دیگر که در آیه فوق بسیار قابل تأمل است اینکه، در شهر کوچکی مثل مدینه آن روزگار که همه آدم ها حتی به اسم می توانستند یکدیگر را بشناسند، زنان رسول و زنان مؤمنین به چه چیزی باید شناخته می شدند که مورد تهمت و آزار قرار نگیرند؛ به نظر می رسد که در اینجا منظور از شناخته شدن، نوعی از شناخت از طرف دیگران نسبت به زن است که دیگران آن زن را از رفتار، گفتار و نگاهش به وقار و گرایش به پاک دامنی بشناسند، نه تنها اینکه مثلاً بشناسند که این زن فلانی است و چون زن فلانی است، کسی به او کاری نداشته باشد.

با توجه به آنچه گذشت، شاید بتوان گفت که پوشش برای زنان و مردان، هم امری نسبی بوده است و هم اختیاری؛ یعنی به همان گونه که ایمان به تعالی یافتن، امری اختیاری و ارادی است، طبعاً انتخاب ملزومات و راهکارهای متناسب برای رسیدن به تعالی هم، مبتنی بر همان ایمانی خواهد بود که زن یا مرد اراده کرده است. به نظر می رسد که اجبار به پوشش های فرمایشی، غیر از پیشنهاد و توصیه و نشان دادن راهکار است. اجبار برای مرد یا زنی که ایمانی به تعالی یافتن ندارد، موجب اعتلای او نمی شود و چنانچه مردان و زنانی ایمان به تعالی یافتن داشته باشند، بی آنکه کسی اجبارشان کند، خودشان متناسب با شرایط محیط و موقعیت، از پوشش لازم استفاده می کنند .

در ماشیه مطلب نگارنده:

ایراد اول

در دست یابی به احکام و معارف اسلامی، نمی توان تنها به قرآن اکتفا کرد. سنت یعنی قول و فعل و تقریر پیامبر و ائمه معصومین (ع) از مهم ترین منابع تبیین اسلام است. پیامبر اسلام (ص) در وصیت خویش به امت اسلامی فرمود :

« من دو چیز گران بها در میان شما به جای می گذارم : کتاب خدا و اهل بیت . تا زمانی که به این دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو، جدایی ناپذیرند تا قیامت. »

مجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
جدا ساختن قرآن از سنت و اکتفا به قرآن، نتیجه ای جز گمراهی نخواهد داشت، چرا که بسیاری از احکام و معارف اسلامی، به صورت کلی و سر بسته در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است و جزئیات آنها از سوی پیامبر و ائمه - صلوات الله علیهم - بیان گردیده است.

ایراد دوم

تکیه بر حدس و گمان در مباحث علمی و تخصصی، روش ناصوابی است. اینکه نویسنده می گوید: « شاید فقیهان در هر دوره ای برای سامان دهی روزگار خود و متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همان روزگار، استنباط خود را از مسئله حجاب بیان کرده و می کنند»، و نیز مطالب نویسنده در خصوص شکل گیری مضامین فقهی و حقوقی شیعه متناسب با شرایط حکومت عباسیان، ناشی از عدم اطلاع وی از شیوه استنباط احکام در اندیشه اسلامی است.

فقیه، حکم شرعی را تنها مبتنی بر دلایل و مستندات احکام شرع، بیان می کند و مستندات او در استنباط حکم، متمرکز بر کتاب و سنت است. مضاف بر آنکه فقیه با استنباط احکام، می کوشد شرایط و فرهنگ زمانه را به سوی آرمان های دینی متحول سازد، نه آنکه متناسب با شرایط زمان و مکان، احکام دینی را دنباله رو و تابعی از تحولات زمانه قرار دهد. اگر در فقه، سخن از نقش زمان و مکان در فقه و احکام شرعی است، مقصود، تأثیر زمان و مکان در موضوع شناسی و تحولات موضوعات احکام شرعی است نه خود احکام.

ایراد سوم

نویسنده می گوید: جز متن قرآن، هیچ اثر مکتوب و مستندی که تدوین آن به پیش از دوره بنی عباس مربوط باشد، در دست نداریم. از این جهت می توان احتمال داد که همه متون فقهی، فلسفی، کلامی، عرفانی و ...، بیشتر متناسب با ساختار امپراتوری اسلامی شکل گرفته و نه آنچه قبلاً در حجاز و در زمان پیامبر به عنوان اسلام مطرح شده است.

اولاً: روایات فراوانی از پیامبر و ائمه پیش از دوران عباسیان در کتابهای فقهی شیعه موجود است.

ثانیاً: سخنانی از ائمه معصومین - علیهم السلام - که در دوران عباسیان به عنوان متون اصلی استنباط احکام در اختیار فقیهان قرار دارد، همگی تبیین اسلام اصیل اند. اعتقاد به عصمت ائمه، بیانگر آن است که آنان احکام الهی را بدون تأثیر پذیری از فرهنگ زمانه و شرایط مختلف فردی و اجتماعی، بیان می کنند و آنچه ایشان بیان می کنند، حکم ابلاغ شده از سوی خداوند و پیامبر اوست.

ایراد چهارم

نویسنده پس از کنار گذاشتن روایات، مدعی شده است که: « متن قرآن را نیز نمی توان به درستی فهمید، مگر با شناخت معیارهای زبانی همان روزگار بعثت در حجاز، که البته این نیز کار چندان آسانی نیست، زیرا بسیاری از واژگان در طول تاریخ، و به ویژه در دوره ی ۵۰ ساله امپراتوری عباسیان، معناها و مصداق های متفاوتی از اصل خود پیدا کرده اند».

مجاب (بلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
نتیجه این سخن آن است که شناخت مفاهیم و احکام اسلامی تقریباً دور از دسترس بوده و تنها در مواردی اندک و آن هم به سختی،
می توان کتاب خدا را فهمید.

به علاوه آنکه منابع فراوانی از کتابهای لغت که منصوب به دوران نزدیک به عصر پیامبر و نزول قرآن هستند، در دسترس ما نیست و
علاوه بر این، ادعای اینکه اکثر لغات و واژه های قرآن کریم در دوره حکومت عباسیان، دستخوش تغییر و تحول معنایی شده اند، دلیلی
به همراه ندارد و تا دلیلی قطعی بر تحول در معنای واژگان قرآن کریم ارائه نگردد، روش محاوراتی عقلاً بر آن است که معانی فعلی
واژگان قرآن را همان معانی عصر نزول دانسته و بر آن اعتماد می نمایند و نهایتاً در موارد ابهام در واژگان قرآن، سخنان ائمه (ع)
بهترین مفسر در تبیین قرآن کریم است.

نکته آخر اینکه از آنجا که قرآن کریم عموماً کلیات احکام دینی را بیان کرده است، در استنباط جزئیات احکام، محور و مدار اصلی
برای تقیه، روایات رسیده از معصومین (ع) به ویژه امام باقر و صادق - علیهما السلام - است.

ایراد پنجم

تمامی مدعای نویسنده در توضیح آیات حجاب آن است که از این آیات نمی توان فهمید که زنان باید موی سر را از نامحرم بپوشانند. وی
در توضیح معنای خمار می گوید: « خمار به هر چیزی گفته می شود که پوشش برای چیزی یا جایی محسوب شود و در آیه، سخن از
این نیست که زنان خمار را روی سر خویش بیندازند؛ بلکه سخن این است که خمار را روی سینه و گریبان (جیب) بیندازند.
اگر نویسنده تنها به چند تفسیر معتبر شیعه و اهل سنت مراجعه می کرد به خوبی درمی یافت که مفسران تصریح کرده اند که مراد از
خمار، پارچه ای است که زنان سر را با آن می پوشانده اند. علامه طباطبائی (ره) در تفسیر گران سنگ المیزان می گوید: خمار همان
چیزی است که زن سر خویش را با آن می پوشاند و آن را بر روی سینه های خویش می اندازد.
طبرسی نیز در مجمع البیان گفته است: خمار، پوشش سر زنان است که بر گریبان آنان نیز قرار می گیرد. ایشان همچنین از ابن عباس
قول می کند که مقصود از آیه شریفه آن است که زن، موها و سینه خویش را باید بپوشاند.

ایراد ششم

متأسفانه در فهم معنای جلاباب نیز نویسنده بر شک و گمان تکیه کرده و از این رو نتوانسته است به مفهوم این واژه دست یابد. نگاهی به
تفاسیر قرآن کریم و کتاب های لغت، به خوبی نشان می دهد که جلاباب، پارچه ای بوده است که زنان سر و گردن و بنابر نظر بعضی،
تمام بدن را با آن می پوشانده اند. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان چنین آورده است که مراد از جلاباب، پارچه ای است که تمام بدن را
می پوشاند و یا پارچه ای است که سر و گردن را می پوشاند.
جا داشت نویسنده لااقل کتاب پر ارج « مسئله حجاب » استاد شهید مرتضی مطهری را مورد مطالعه قرار می داد تا دچار برداشت های
ناصواب از آیات قرآن کریم نگردد.

پی نوشت فصل :

- ۱- سوره نور، آیه ۲۳
- ۲- سوره نور، آیه ۲۵
- ۳- سوره حجرات، آیه ۳
- ۴- سوره نور، آیه ۳۱
- ۵- سوره نور، آیه ۳۱
- ۶- سوره نور، آیه ۳۱
- ۷- سوره احزاب، آیه ۵۹
- ۸- سوره نور، آیه ۳۱
- ۹- سوره احزاب، آیه ۵۹

فصل هشتم

مجاب و آزادی

رابطه ی مد و مرزهای پوشش و عقده‌ها و مسرت‌ها

مدود آزادی اظهار نظر درباره‌ی مجاب و لباس

رابطه ی مجاب و فشارهای اجتماعی

رابطه ی مجاب و پوشش و مسئله آزادی

سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقوله ی مجاب

لباس و پوشش و مق انتخاب آن

حجاب و آزادی

این فصل قصد دارد به کالبدشکافی و پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌هایی درباره‌ی رابطه‌ی آزادی و لباس و حق انتخاب پوشش توسط افراد، و برخی محدودیت‌های معقول و مشروع در امر حجاب و پوشش بپردازد.

رابطه‌ی حد و مرزهای پوشش و عقده‌ها و حسرت‌ها

شبهه: محدودیت‌ها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد و ایجاد عقده و حسرت می‌گردد؛ [۱]

پاسخ: واقعیت این است که محدودیت‌ها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد نمی‌شود، بلکه دقیقاً برعکس، آزادی به معنای نفی محدودیت‌ها، باعث عدم احترام به افراد و انهدام ارزش‌ها می‌گردد. برای تصدیق این سخن، کافی است نیم‌نگاهی به طرز لباس پوشیدن افراد در قسمت‌های مرفه‌نشین شهرهای بزرگ، مثل تهران بیفکنیم و ببینیم که چگونه این افراد با سوء استفاده از آزادی، ارزش‌ها و هنجارهای دینی مربوط به پوشش اجتماعی را که قانوناً ملزم به رعایت آن هستند، زیر پا می‌گذارند و حتی آنها را به تمسخر می‌گیرند. اما این که گفته‌اند محدودیت در لباس، تنها باعث ایجاد عقده و حسرت در افراد می‌شود، کلامی مبهم است و معلوم نیست مراد گوینده، چه اشخاصی هستند؟ اگر مراد گوینده این است که محدودیت‌ها در مورد لباس زنان و دختران جوان، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌های جنسی و روانی در پسران جوان می‌گردد، واقعیت این است که برعکس، آزادی پوشش به معنای نفی محدودیت در لباس بانوان و دختران جوان، باعث انعقاد حسرت‌ها در پسران می‌گردد، و با اندک تأملی تصدیق می‌گردد در جامعه‌ای که بخش عظیم آن جوانانی هستند که به دلیل شرایط سنی و تحریکات مختلف روانی به وسیله‌ی محصولات آلوده‌ی فرهنگی، مانند بعضی از فیلم‌ها، مان‌ها و نوارهای مبتذل، در معرض طغیان غرایز جنسی هستند و از طرفی ازدواج نیز در جامعه بسیار سخت شده است، چگونه ممکن است آزادی پوشش دختران جوان و نفی محدودیت در لباس، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌های روحی و روانی پسران جوان درباره‌ی مسائل جنسی نگردد.

چه زیبا، امام صادق(ع) در روایتی فرموده‌اند:

«النظر سهم من سهام ابلیس مسموم کم من نظرة اورثت حسرة طویلة»؛ [۲] نگاه ناپاک، تیری از تیرهای مسموم و آلوده‌ی ابلیس است و چه بسیار نگاهی که باعث عقده و حسرت طولانی می‌گردد.

همین واقعیت در شعر شاعر این‌گونه بیان شده است:

«زدست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد»

ولی اگر مراد گوینده‌ی محترم این است که محدودیت در لباس و پوشش بانوان و دختران جوان، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌هایی در خود دختران می‌گردد؛ چون در آرزوی پوشیدن لباس‌های رنگین و مدل‌های مختلف آن ناکام می‌شوند، در پاسخ می‌گوییم: اولاً، در فرهنگ اسلامی و قرآنی، زنان نه تنها در استفاده از زینت‌آلات و لباس‌های زیبا منع نشده‌اند، بلکه تشویق نیز شده‌اند جواز استفاده‌ی زنان از لباس زربافت و حریر، از جمله شواهد در نظر گرفتن علاقه‌ی فطری زنان به خودآرایی و زیباگرایی است.

امام باقر(ع) در روایتی فرموده است:

« لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفسها و لو ان تعلق فی عنقها قلادۃ »؛ [۳] سزاوار نیست زنی خود را بدون زیور واگذارد، لا اقل گردنبندی به گردن آویزد .

ولی اسلام در کنار توصیه‌ی زنان به خودآرایی، به منظور پاک ماندن محیط اجتماعی، به حجاب و پوشاندن زینت‌ها و زیبایی‌ها و عدم تبرج و خودنمایی در مقابل نامحرم نیز دستور داده است؛ چون نمایش زینت‌ها و لباس‌های زیبا باعث تحریک و تهییج می‌شود. « و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن [۴] غیر متبرجات بزینة [۵] و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى [۶] . »

ثانیاً، رعایت اندازه و حدود لباس و پوشش، در معدودی از زنان و دختران که در اثر تربیت نادرست، حاضرند برای اشباع غریزه‌ی خودآرایی، زیبایی‌های ظاهری و باطنی خود را، حتی به مردان نامحرم نیز نمایش دهند، ممکن است عقده‌ها و حسرت‌هایی برای برخی ایجاد نماید، ولی در مجموع، نمی‌توان انکار نمود که حجاب، دستوری حکیمانه است که برای سلامت روحی و روانی همه‌ی پسران جوان و حتی زنان، خصوصاً گروهی که اندام و یا لباس زیبا ندارند مفید است. یکی از زنان مسلمان چه زیبا گفته است:

حجاب، حتی از ایجاد عقده‌ها و حسادت‌ها در میان زنان جلوگیری می‌کند. چرا باید زنی به خاطر این که اندام زیبا ندارد احساس حقارت و کوچکی کند و دیگری به واسطه‌ی داشتن اندام موزون و زیبا به دیگران فخر بفرشد. [۷]

حدود آزادی اظهار نظر درباره‌ی حجاب و لباس

شبهه: بعضی با این عبارت که « اصلاً مگر ما حق داریم راجع به لباس پوشیدنمان نظر بدهیم؟ » [۸] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که افراد حق اظهار نظر درباره‌ی لباس را ندارند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ:

اولاً، واقعاً جای تعجب است؛ با وجود این که برگزاری هم‌اندیشی با حضور جوانان و انتشار نظرهای آنها در سطح عمومی به وسیله‌ی روزنامه، خود بهترین دلیل و شاهد است که جوانان حق اظهار نظر درباره‌ی لباس پوشیدن را دارند؛ لکن معلوم نیست چرا گوینده‌ی محترم به طور غیر واقعی، و به دور از صداقت، با تبلیغ به روش القایی در صدد تلقین وجود زور و فشار درباره‌ی لباس است.

ثانیاً، بدون تردید گوینده‌ی محترم قبول دارد که اظهار نظر نیز، همانند هر عمل دیگری باید مطابق قاعده و روشمند باشد؛ یعنی اظهار نظر در زمینه‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی مثل مسئله‌ی حجاب، حداقل باید براساس یکی از دو قاعده‌ی عقلایی زیر باشد:

الف) خود فرد در زمینه‌ی آن که اظهار نظر می‌کند متخصص و کارشناس باشد.

ب) به نظر متخصصان و کارشناسان، استناد و تکیه کند.

با دقت و مطالعه‌ی اظهار نظرهای افراد شرکت کننده در هم‌اندیشی، به روشنی فهمیده می‌شود که متأسفانه هیچ یک از دو قاعده‌ی عقلایی فوق در آن رعایت نشده است.

ثالثاً، در باره‌ی اظهار نظر افراد غیر متخصص، مثل جوانان شرکت کننده در هم‌اندیشی مذکور، سه دیدگاه مهم قابل طرح است:
الف) دیدگاه افراطی. دیدگاهی که می‌گوید افراد غیر متخصص نیز، حتی بدون استناد به نظر کارشناسان و یا حضور آنان در هر مسئله‌ی مهمی حق اظهار نظر دارند. برگزاری هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس، بدون حضور و نظر کارشناسان، و چاپ گزارش آن توسط روزنامه‌ی نوروز، مؤید این است که دیدگاه مذکور مورد قبول گزارش دهنده‌ی محترم و هم‌فکران ایشان است.
تقد: دیدگاه فوق قابل دفاع منطقی نیست؛ زیرا تردیدی نیست که اظهار نظر افراد ناآگاه درباره‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی، بدون استناد به نظر کارشناسان و بدون حضور آنها، باعث طرح نظرات نادرست در اذهان مردم، خصوصاً جوانان می‌گردد. مهم‌تر اینکه وقتی این‌گونه نظرها در «روزنامه» منتشر گردد، پیامدهای منفی آن چندین برابر است؛ زیرا از مصادیق آشکار تشویش اذهان عمومی است.

ب) دیدگاه تفریطی. دیدگاهی که می‌گوید افراد به طور مطلق، هرگز حق اظهار نظر درباره‌ی هیچ مسئله‌ای را ندارند.
تقد: این دیدگاه نیز غیر منطقی است، و قابل دفاع عقلانی نمی‌باشد؛ زیرا مهم‌ترین لازمه‌ی منفی آن، احترام نگذاشتن به شخصیت افراد و تقویت استبداد رأی در جامعه است که امر مردودی می‌باشد. امیرمؤمنان امام علی (ع) در روایتی تصریح فرموده‌اند «**من استبد برأیه هلك و من شاور الرجال شاركها في عقولها**» [۹]؛ هر انسانی که استبداد به رأی داشته باشد هلاک و گمراه می‌شود؛ و هر کسی که با دیگران مشورت کند، در عقل‌های آنها شرکت جسته است.

ج) دیدگاه اعتدالی. دیدگاهی که می‌گوید افراد غیر کارشناس با استناد به نظر کارشناسان یا با حضور آنها، درباره‌ی مسائل مهم، از جمله لباس می‌توانند اظهار نظر کنند. این دیدگاه ایرادهای دو دیدگاه قبل را ندارد؛ بنابراین، دیدگاهی منطقی و قابل دفاع عقلانی است. ما معتقدیم هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس اگر با مطالعه و تحقیق قبلی و با استناد به نظر کارشناسان و یا با حضور آنان برگزار می‌گردد، بسیاری از مطالب نادرست مطرح شده [۱۰] با تذکرات و راهنمایی‌های آنها جرح و تعدیل می‌شد و فرهنگ‌سازی به مفهوم صحیح و دقیق آن صورت می‌گرفت.

رابطه‌ی حجاب و فشارهای اجتماعی

شبهه: بعضی با این عبارت که «نگاه ارزشی به رنگ، موجب شده تا افراد کنترل‌های محسوس و غیر محسوس را بر نوع پوشش خود از سوی اطرافیان و محیط‌های مختلف احساس کنند» [۱۱] خواسته‌اند این‌گونه القای شبهه نمایند که نگاه ارزشی از سوی افراد و محافل دینی به حجاب دارای رنگ تیره، مثل چادر مشکی باعث می‌شود افراد دیگری که از حجاب‌های غیر مشکی استفاده می‌نمایند تحت فشار اجتماعی، روحی و روانی قرار گیرند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: این که هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم هر جامعه‌ای یک نوع فشار روحی و روانی بر افراد مخالف با آن هنجارها وارد می‌نماید، اجماًلاً مورد قبول است؛ ولی این مطلب اختصاص به عدم استفاده از چادر مشکی ندارد؛ زیرا اگر یک زن محجبه نیز بخواهد با چادر مشکی وارد یکی از شهرهای کشورهای اروپایی [که زنان آن جا معمولاً بی‌حجاب یا بدحجاب هستند و اساساً از چادر مشکی استفاده

مجاب (بلد دوم) کاری از وسایط فرهنگی مذهبی ارزشی فی‌همه گاه نمی‌کنند] شود ، یا مثلاً در داخل ایران ، زن محجبه‌ای از یک شهر مذهبی با چادر مشکی وارد منطقه‌ای گردد که غالباً بدحجاب هستند و یا از چادر کمتر استفاده می‌کنند ، با فشارهای اجتماعی که از ناحیه‌ی محیط بدحجاب بر او وارد می‌شود مواجهه است ؛ بنابراین ، وجود این‌گونه فشارهای اجتماعی نشأت گرفته از فرهنگ و آداب و رسوم جوامع ، مختص زنان غیر محجبه نیست ، بلکه امری عمومی است . نکته‌ی مهم این است که نوع پوشش در جامعه‌ی اسلامی باید معقول و مشروع و قابل دفاع عقلانی و شرعی باشد . هر فردی باید با توجه به ملاک یاد شده عمل نماید و نیز تسلیم فشارهای اجتماعی نامشروع نگردد و به تعبیر قرآن ، در راه خدا و احکام الهی تلاش کند و از سرزنش دیگران نهراسد : « **یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم** » . [۱۲]

در روایتی از امام کاظم (ع) در درباره‌ی چشم و هم‌چشمی نکردن و دهن‌بین نبودن و تسلیم فشارهای اجتماعی نامشروع نشدن ، چنین آمده است :

یا هشام : لو کان فی یدک جوزة و قال الناس فی یدک لؤلؤة و لو کان فی یدک لؤلؤة و قال الناس انها جوزة ما ضرتک و انت تعلم انها لؤلؤة ؛ [۱۳] ای هشام اگر گردویی داشته باشی و همه بگویند لؤلؤ است سودت ندهد و تو خود می‌دانی که گردوست و اگر لؤلؤی در دستت باشد و مردم بگویند گردوست ، زیانت نرساند و تو خود می‌دانی که لؤلؤ است .

رابطه‌ی حجاب و پوشش و مسئله آزادی

شبهه : بعضی با این عبارت که « چرا نمی‌گذارند آن طور که دوست داریم لباس بپوشیم » [۱۴] خواسته‌اند این گونه ادعا نمایند که در لباس پوشیدن آزاد نیستند . آیا ادعای مذکور صحیح است ؟

پاسخ :

اولاً ، برخی عبارت‌های گوینده‌ی محترم ، مثل این عبارت که « مونا شاهرخی و بهزاد خلیفه ، همین لباسی را که پوشیده‌اند دوست دارند » [۱۵] حاکی از عدم صحت ادعای فوق است ؛ زیرا عبارت ذکر شده گویای این است که افراد یاد شده همان لباسی را که دوست دارند پوشیده‌اند و در پوشیدن لباس آزاد بوده‌اند .

ثانیاً ، واقعیت خارجی ، حاکی از لباس پوشیدن افراد براساس ملاک‌های مورد علاقه‌ی خود و با تفاوت بسیار از نظر جنس ، مدل و رنگ است که روزانه در کوچه و خیابان نیز با آن مواجهیم ، و برخی عبارت‌های روزنامه‌ی نوروز نیز تکذیب‌کننده‌ی ادعای یاد شده است ؛ زیرا گزارش دهنده‌ی محترم نیز به یک دنیا تفاوت در لباس‌های افراد شرکت‌کننده در هم‌اندیشی که نمونه‌ی کوچکی از یک دنیا تفاوت در لباس پوشی افراد جامعه است تصریح کرده است « به نحوه‌ی لباس پوشیدن‌ها که نگاه می‌کنی متوجه کلی تفاوت می‌شوی . مهدی جبرکش را با تیشرت مشکی و شلوار جین می‌بینی که کنار امیر رسولی با پیراهن چهارخانه‌ای که یقه‌اش را کیب بسته نشسته است . بین لباس‌های ملیحه و کتایون یک دنیا تفاوت دیده می‌شود . » [۱۶]

ثالثاً ، اگر مراد گوینده این است که افراد به طور مطلق و بدون پذیرش هیچ حد و مرزی ، هر لباسی را که دوست دارند بتوانند بپوشند و لو مطابق هنجارها و ارزش‌های معقول و مقبول جامعه نباشد ، پاسخ این است که چنین آزادی مطلقی وجود ندارد و به فرض وجود ،

حجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه

معقول نیست . موجود نیست ، چون ما عملاً مشاهده می کنیم حتی در کشورهای ، مثل فرانسه که می گویند مهد آزادی است چگونه از پوشش دلخواه دختران محجبه جلوگیری می کنند ، اما معقول نیست ؛ زیرا عقل نیز حکم می کند که تمام اعمال و رفتار اعضای جامعه ، از جمله لباس پوشیدن ، باید تحت ضابطه و قانون مشخص و معقولی انجام گیرد تا آن جامعه در فرهنگ پوشش دچار هرج و مرج نگردد .

رابعاً ، اگر در موردی فردی دوست داشته باشد لباس خاصی را بپوشد ، لکن خودش با تأمل و دلیل منطقی ، یا با تذکر و راهنمایی دیگران ، یا حتی تحت تأثیر فشار اجتماعی برآمده از فرهنگ صحیح جامعه و آداب و رسوم مردم ، پوشش و حجاب منطقی دیگری را ترجیح داد ، شبیه آنچه که در گزارش هم اندیشی نیز آمده است « ملیحه رضاخان با اشاره به مقنعه اش می گوید حقیقت این است که می خواستم روسری سر کنم ، اما فکر کردم شاید اینجا (نشست هم اندیشی) زیاد خوب نباشد» [۱۷] تردیدی نیست که در این گونه موارد ، آزادی فرد سلب نشده است ، بلکه فرد بر اساس پذیرش این اندیشه منطقی طرح شده در ضمن هم اندیشی « لباس خوب ، لباسی است که در عین سادگی ، مناسب هم باشد . هر لباسی برای جایی خوب است و باید عرف و فرهنگ را در انتخاب لباس رعایت کرد» [۱۸] بلوغ فکری خویش را به نمایش گذارده و به طور منطقی پذیرفته است که نباید تابع احساسات و علایق زودگذر بود ، بلکه باید بر اساس ملاک و معیارهای معقول و مشروع ، به تناسب هر جایی لباسی متناسب با آن را انتخاب کرد ؛ و ممنوعیت استفاده از لباس شهرت در احکام نورانی اسلام نیز بر اساس همین نکته است . این عین حریت و آزادی مطلوب است که انسان خودش را از قید و بند شهوت و از جمله شهوت مد پرستی رایج در جامعه آزاد نماید و چه نیکو فرموده است امیر مؤمنان امام علی (ع) :

من ترک الشهوات کان حراً؛ [۱۹] هر کسی که شهوتها و خواهشهای نفسانی را ترک نماید ، آزاد است .

سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقوله ی حجاب

شبهه : « دختری که در آرزوی پوشیدن یک بلوز بلند و شلوار گشاد است ، نه نامسلمان است ، نه بی دین و نه هرج و مرج طلب ؛ بد نیست گاهی به صداقت او هنگام نماز هم ببیندیشیم » ؛ [۲۰] چه مغالطات و سوء استفاده ای از عواطف مذهبی جوانان در تعبیر فوق صورت گرفته است ؟

پاسخ :

اولاً ، ما نیز قبول داریم که هر دختر جوانی که در آرزوی پوشیدن لباس های فوق است ، لزوماً نامسلمان و یا بی دین نیست ، بلکه برعکس ، معتقدیم چون زنان به طور فطری و غریزی بیشتر از مردان به خود آرایی و زیبایی خود اهمیت می دهند ، در احکام نورانی اسلام که مطابق با فطرت انسان است با تشویق زنان به آرایش و خود آرایی ، زمینه اشباع و پاسخ گویی این نیاز زنان به خوبی فراهم شده است ؛ ولی اسلام علاوه بر نیاز فطری مذکور ، نیاز فطری دیگر زنان به حجاب و پوشش را نیز در نظر گرفته است ؛ و چه زیبا در احکام متعالی خویش بین دو نیاز فطری و غریزی زنان ، یعنی نیاز به خود آرایی و نیاز به حجاب و پوشش جمع نموده است . از طرفی زنان را تشویق نموده که از زیورآلات و دیگر پوشش های زیبا استفاده نمایند و از طرف دیگر ، به زنان دستور داده است از طریق حجاب و پوشش ، از ارائه و نمایش آن به نامحرم و در نتیجه ، تحریک روحی و روانی دیگران اجتناب نمایند .

حجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
ثانیاً، منکر صداقت جوانان عزیز نمازخوان در موقع نماز نیستیم، بلکه به صداقت آنان می‌اندیشیم و به آن احترام می‌گذاریم؛ ولی معتقدیم نباید آنگونه که عبارت گوینده‌ی محترم القا می‌کند، عواطف مذهبی جوانان، مثل صداقت در نماز، مورد سوء استفاده و مغالطه قرار گیرد.

ثالثاً، معتقدیم اگر صداقت در نماز همراه با عفت و نجابت در پوشش مقابل نامحرم نباشد، مقدار صداقت در نماز هم مورد تردید قرار می‌گیرد؛ زیرا احکام نورانی اسلام احکامی یک پارچه است که باید به تمام آنها مؤمن و عامل بود.

همچنین معتقدیم اعمال صالح در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، به گونه‌ای که انجام یک عمل صالح در تشویق انسان به سمت کارهای صالح دیگر و ترک کارهای منکر و ناپسند مؤثر است؛ با این توضیح که مثلاً قرآن، نماز را بازدارنده از کارهای ناشایست و نامطلوب معرفی می‌کند: « **إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ** ». [۲۱]

و از طرفی چون قرآن شکل حجاب بیرون از منزل بانوان در مقابل نامحرم را مقنعه « **وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ** » [۲۲] و چادر « **يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيبِ** » [۲۳] معرفی می‌نماید؛ بنابراین، پوشیدن بلوز بلند و شلوار گشاد بدون مقنعه و چادر را برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم کاری ناشایست و نامطلوب می‌داند؛ زیرا باعث جلب توجه نامحرم و تحریک روحی و روانی می‌گردد، و روشن است که یک دختر متدین و نمازخوان، کاری که قرآن آن را نامطلوب می‌داند، انجام نخواهد داد.

لباس و پوشش و حق انتخاب آن

شبهه: بعضی با این عبارت « سیاه که در اسلام مکروه است. من نمی‌دانم! مقررات می‌گوید رنگ تیره، جوراب ضخیم، مانتوی بلند و گشاد، آستین بلند، شلوار پارچه‌ای گشاد، همین و همین و همین ». [۲۴] این گونه اتقای شبهه کرده‌اند که مقررات موجود لباس پوشیدن زنان در کشور، خلاف اسلام است. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

توضیح: نگارنده‌ی محترم به ناحق در بخشی از یک سناریوی خود ساخته، با قطعی گرفتن کراهت رنگ سیاه به طور مطلق از دیدگاه اسلام به مخاطب این گونه القا نموده که چون در مقررات فعلی، اصرار و اجبار بر استفاده از لباس‌های تیره و سیاه است بنابراین مقررات موجود، خلاف اسلام است.

پاسخ:

اولاً، واقعیت بیرونی لباس پوشیدن بانوان در سطح جامعه و استفاده از انواع و اقسام جوراب‌های نازک و مانتوهای کوتاه و شلوارهای تنگ با رنگ‌های بسیار متنوع، حاکی از این است که یا اساساً مقررات یاد شده وجود خارجی ندارد، یا بر فرض وجود، متأسفانه به آن عمل نمی‌شود؛ ولی به هر حال، نتیجه‌ی هر دو احتمال مذکور واقعیت نداشتن اجبار بر پوشش خاصی است که عبارت گوینده‌ی محترم، به دروغ و به طور غیر واقعی القا کننده‌ی آن است.

ثانیاً، فرض می‌کنیم ادعای ایشان واقعیت خارجی داشته باشد، همان‌گونه که قبلاً گذشت حجاب تیره برای بانوان و دختران (در مواجهه با نامحرم) کراهتی ندارد؛ بنابراین، ادعای کراهت لباس تیره و مشکی برای بانوان و دختران اساساً نادرست است؛ اما موارد دیگر، مثل

مجاب (بلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
جوراب ضخیم، مانتوی بلند و غیره، چون در راستای تأمین حجاب بیشتر و بهتر بانوان است، مورد قبول اسلام است؛ لذا مقررات
مذکور بر فرض وجود، خلاف اسلام نیست.

شبهه: بعضی با این عبارت که « باید به انسان دنیای امروز اجازه داد که خودش لباس انتخاب کند» [۲۵] خواسته‌اند این شبهه را القا
کنند که انسان امروزی در انتخاب لباس آزاد نیست و به او اجازه نمی‌دهند خودش لباس انتخاب کند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ:

اولاً، واقعیت خارجی رفتن افراد، اعم از مرد و زن، دختر و پسر، جوان و غیر جوان به مغازه‌های لباس فروشی و گاهی صرف
ساعت‌ها وقت برای انتخاب یک مدل و رنگ خاص، حاکی از این است که افراد در انتخاب لباس آزادند؛ البته طبیعی است که در هر
جامعه‌ای به تناسب هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، نوع خاصی از لباس‌ها و پوشش‌ها در مغازه‌ها وجود دارد که به نحوی انتخاب
افراد را محدود می‌کند، ولی این امر عمومی است و اختصاص به جامعه‌ی ما ندارد.

ثانیاً، در این که انسان موجودی انتخاب‌گر است، تفاوتی بین انسان امروز و دیروز نیست؛ مهم کیفی و ارزشمند بودن انتخاب است. دو
شرط زیر در کنار یکدیگر یک انتخاب را کیفی و ارزشمند می‌کند:

الف) انتخابی که از روی شناخت و آگاهی صحیح و کامل صورت می‌گیرد.

ب) انتخاب آگاهانه‌ای که منجر به تأمین منافع و مصالح حقیقی انسان، اعم از منافع اخروی، دنیوی، فردی و اجتماعی گردد.
در خصوص انتخاب لباس نیز همین دو شرط صادق است.

ثالثاً، فرض کنید دختر جوانی با لباس بسیار نازک و بدن‌نما از منزل بیرون بیاید؛ اگر از او سؤال کنید این چه نوع لباسی است که
پوشیده‌ای؟ و او در جواب بگوید لباسی است که خودم انتخاب کرده‌ام؛ آیا عقل سلیم و شرع حکیم چنین اجازه‌ای به او می‌دهد که با
لباس مذکور وارد جامعه شود و باعث تحریک و تهییج جنسی جوانان گردد؟ ما مطمئن هستیم که پاسخ شما نیز به این سؤال منفی است؛
زیرا شما نیز انسان منطقی و معقولی هستید و چهارچوب‌های معقول و مشروع را قبول دارید.

پی نوشت فصل:

[۱]. مرتضی زنده‌دلان، روزنامه نوروز ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸.

[۲]. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، ص ۵۵۹، حدیث ۱۲.

[۳]. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح، ص ۱۱۴، حدیث ۱.

- [۴] . سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۱.
- [۵] . سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۶۰.
- [۶] . سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۳۳.
- [۷] . فاطمه هرسن، حدیث هدایت در نشستی با چند تن از بانوان غیر ایرانی (اتریشی) اینک دیگر روبه شرق نماز می‌گذاریم، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۴۶، دی ماه ۷۴، ص ۲۳.
- [۸] . گیو نمازی، هم‌اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸.
- [۹] . نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، حکمت ۱۶۱، ص ۵۰۰.
- [۱۰] . ر.ک : مقاله‌ی نگارنده «هم‌اندیشی منطقی با جوانان درباره‌ی لباس» پاسخ به مقاله‌ی روزنامه‌ی نوروز با عنوان «هم‌اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن» روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۹ و ۲۱ شهریور ۱۳۸۰.
- [۱۱] . اژدر شهابی، روزنامه‌ی آفتاب، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۶.
- [۱۲] . سوره‌ی مائده (۵)، آیه‌ی ۵۴.
- [۱۳] . ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۵.
- [۱۴] . گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸، ستون دوم.
- [۱۵] . همان.
- [۱۶] . همان.
- [۱۷] . گیو نمازی، هم‌اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه‌ی نوروز ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸، ستون آخر.
- [۱۸] . همان.
- [۱۹] . محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۵۲، واژه‌ی حریت.
- [۲۰] . گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه‌ی ۸، ستون پنجم.
- [۲۱] . سوره‌ی عنکبوت (۲۹)، آیه‌ی ۴۵.
- [۲۲] . سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۱.
- [۲۳] . سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۹.
- [۲۴] . گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه‌ی ۸، ستون اول.
- [۲۵] . گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه‌ی ۸، ستون چهارم.

فصل نهم

مجاب و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی، هدف اساسی و موجب مجاب

امنیت اجتماعی، فلسفه موقی و موجب مجاب

پایه های تمقق امنیت اجتماعی در سایه ی مجاب

آثار و فواید مجاب اسلامی بر تمقق امنیت اجتماعی

مجاب و امنیت اجتماعی

آثار سوء بی مجابی و زوال امنیت اجتماعی

نتیجه

حجاب و امنیت اجتماعی

مقوله « پوشش و استتار بدن » به عنوان جزء جدایی ناپذیر حیات انسانی و مصداق اصلی حجاب، امری کاملاً مشهود و بی نیاز از تعدیل است. برای حجاب کارکردهایی در دو حوزه فردی و اجتماعی، قابل تصور است:

الف. کارکردهای فردی: همچون پاسخگویی به نیاز فطری « خوداستتاری » و تأمین امنیت در برابر گرما و سرما.

ب. کارکردهای اجتماعی: هویت بخشی و ایجاد امنیت اجتماعی از جمله این کارکردهاست، چراکه نوع پوشش و حجاب، نشان دهنده سنت ها، ارزش ها و باورهای یک جامعه است.

اسلام، حجاب را از مصادیق مهم تحقق امنیت اجتماعی در جامعه معرفی کرده است و چالش ها، زمینه ها و راهبردهای بسیار مهمی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است.

بر این اساس و به منظور آگاهی بیشتر از رابطه حجاب و امنیت اجتماعی، ما برآنیم که در این فصل جنبه های مختلف این موضوع و اهمیت آن را توضیح داده و تأثیر آن را در حفظ ارزش های دینی بیان کنیم.

به طور کلی در این فصل موارد ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

۱. امنیت اجتماعی، هدف اساسی و خوب حجاب.

۲. امنیت اجتماعی، فلسفه حقیقی و خوب حجاب.

۳. پایه های تحقق امنیت اجتماعی در سایه حجاب بانوان.

۴. آثار و فوائد حجاب اسلامی و تحقق امنیت اجتماعی.

۵. آثار سوء بد حجابی و انهدام امنیت اجتماعی.

۶. بیان نتیجه و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت تثبیت امنیت اجتماعی در سیطره حجاب اسلامی.

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی، احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت مهم نازل شده اند؛ که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بشریت، کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زنان نیز با این فلسفه و حکمت مدبرانه از سوی خالق هستی صادر گردیده است.

زن با عنصر حجاب اسلامی، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم می سازد، بلکه باعث گسترش روزافزون امنیت اجتماعی و ایجاد زمینه ای جهت رشد معنوی مردان می گردد؛ همچنان که خداوند سبحان، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

« به مردان مؤمن بگو تا چشمان خود را از نگاه ناروا بیوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان، بهتر است (۱) ».

همچنین می فرماید:

» به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشتن را با چادرهای خود بپوشانند که این کار برای آن است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت، آزار نکشند (در امنیت کامل باشند)؛ خداوند در حق خلق، آمرزنده و مهربان است (۲)».

همانگونه که ذکر گردید، حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلیات و ملکات نفسانی آدمیان، مؤثر نمی باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛

غریز، التهاب های جسمی و معاشرت های بی بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده می افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری نموده و امنیت اجتماعی را فراهم می سازد. حال اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه شناختی و روان شناسی به چنین کارکردها و تأثیرات مطلوب، به ویژه تأمین امنیت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدمندان، زندگی می کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه هایشان دست به گزینش می زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یازند.

از این رو به مسأله حجاب نیز به عنوان راهبردی کارساز جهت تأیید و ترویج ارزش های اجتماعی، تأمین کننده سعادت آدمی و منشأ قرب الهی می نگرند.

بنابراین، پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و باطنی و از همه مهم تر امنیت اجتماعی را فراهم می سازد و پیشینه آن به اندازه ی تاریخ آفرینش انسان است؛ چراکه پوشش و لباس هر بشری، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می کند (۳).

امنیت اجتماعی، هدف اساسی و جوب حجاب

با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معین می گردد که هدف از تشریح و جوب حکم حجاب اسلامی دست یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امنیت اجتماعی است.

« وَاِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ (۴) ».

چون نگاه نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه کن نمودن امنیت اجتماعی می شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را برایشان، حرام کرده است.

چنانکه در این باره از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

« حَرَّمَ النَّظَرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَالذُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ (۵) »

نگاه به موهای زنان با حجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی انگیزد و آنان را به فساد فرا می خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته.

مجاب (بلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
از مجموع گفتار فوق روشن می گردد که هدف از وجوب حجاب اسلامی علاوه بر موارد مذکور، ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد
جهت تأمین و گسترش امنیت اجتماعی است.

امنیت اجتماعی، فلسفه حقیقی وجوب حجاب

یکی از فلسفه های حقیقی وجوب حجاب، حفظ آرامش زن، مصونیت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امنیت اجتماعی با توسعه آن
می باشد. زیرا نفس آدمی، دریایی مواج از تمایلات و خواسته های اوست که مهم ترین آنها به خوراکی ها، امور جنسی و مال و جاه و
مقام، مربوط می شود و بدون شک بالاترین خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است. در سخنان عرفا آمده است:

« أَعْظَمُ الشَّهْوَةِ، شَهْوَةُ النِّسَاءِ (۶) »

بزرگ ترین خواسته های مرد، رغبت به زنان است.

ارائه زیبایی ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان، دامن می زند و آنها را به یک کانون جدی خطر، مبتدل می سازد که به سلب
آرامش زن و امنیت اجتماعی منتهی می گردد. آنچه می تواند از این ناامنی پیشگیری کند، پوشش زن از چشمان گرسنه ی نامحرمان است
که با حجاب کامل اسلامی، عملی خواهد شد.

پوشش دینی، پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را
نیروی بالفعل در هر چه وسعت بخشیدن امنیت اجتماعی دانسته و نجابتش را می ستایند. در این صورت است که زن نه تنها در سنگر
حجاب خود، از تیر نگاه های زهر آلود، سخنان آزار دهنده و برخوردهای اراذل جامعه در امان خواهد بود، بلکه امنیت و آرامش درونی
خود و اجتماع خویش را برقرار خواهد کرد.

نکته معنوی و عرفانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی، خطاب به زنان است:

« ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبادی است که هر قطعه آن به مین های شیطان و نگاه های آلوده، ناامن گشته است. اما فرشته های
حجاب در محفل انس و یاد خدا در امنیتی بی نظیر به سر می برند که دیگران از طعم آن بی خبرند (۷) ».

« شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل

کجا دانند حال ما سبک باران ساحل ها »

پایه های تحقق امنیت اجتماعی در سایه های حجاب بانوان

پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده است، یک عمل ظاهری و گسسته از عوامل و پایه ها نیست، بلکه حجاب،
خیمه عفاف بانوانی است که آن را بر پایه های خود استوار نموده و باعث ترویج ارزش امنیت اجتماعی می گردند و به تحقق آن در جامعه
اسلامی، کمک می نمایند.

اکنون شایان ذکر است که این پایه های اساسی بیان گردد:

۱. ایمان به خدا و جهان آخرت

از مهم ترین عواملی که بانوان توسط آن به آرامش روحی و روانی دست یافته و امنیت اجتماعی جامعه را فراهم می نمایند، این است که وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان آورد و معتقد گردد احکامی که برای بشریت تشریح کرده، بودن نقص و دارای آثار مطلوبی است، از حکم الهی حجاب استقبال نموده، امنیت اجتماعی جامعه را تضمین می کند.

۲. تقوا

پرهیزکاری بانوان، ضامن تأمین امنیت اجتماعی است و تا این پایه محکم معنوی در قلب بانوان شکل نگیرد، حجاب را نوعی محدودیت برای خود قلمداد نموده و امنیت اجتماعی انسان ها را تهدید می نماید.

خانمی که بداند تقوای الهی پادزهر بیماری دل هاست که حجاب های تاریک جان را غرق می کند و لانه های هوس را برمی اندازد، آن را به کام جان خود می ریزد تا عالم جاننش، گلستان گل های سلم، طاعت و تسلیم گردد و خیمه حجابش را برمی افروزد تا حافظ بوستان ارزش های خویشتن و آرامش درونی اجتماع خود شود.

۳. آگاهی

شناخت سیمای زن، حقیقت حجاب، فلسفه و آثار آن از جمله پایه های مستحکم پوشش دینی و تبلور امنیت اجتماعی است. وقتی خانمی به پاسخ درونی خود که چرا باید پوشیده باشم نایل شود، پایه های حجاب دینی در او شکل گرفته و با آگاهی کامل به امنیت اجتماعی ارزش می بخشد و دوام آن را تضمین خواهد کرد. به طور کلی، آگاهی زن نسبت به آثار مطلوب حجاب و مهم تر از آنها مسأله امنیت اجتماعی باعث می شود که نه تنها احساس سنگینی از پدیده حجاب ننماید، بلکه از آن به خوبی استقبال نموده، و سوسه های شیطانی را هیچ انگاشته و آرامش برونی و درونی اجتماع را وسعت می بخشد.

همچنین این پیام اصیل و عرفانی را همیشه آویزه ی گوش های خود می گرداند:

« خواهرم! سرزمین جانت را با خورشید آگاهی روشن کن تا بر زوایای وجودت بتابد و آنچنان که هستی خود را بشناسی، آنگاه دریایی که حجاب باله های شنا به سوی سرچشمه هستی امنیت فردی و اجتماعی کامل است و پوشش های مهیج وزنه های سنگینی است که زن را غریق ژرفای مهیب دنیا نموده، امنیت خود و جامعه خویش را برهم می زند».

آثار و فواید حجاب اسلامی بر تحقق امنیت اجتماعی

آثار و فواید حجاب اسلامی بر گسترش امنیت اجتماعی، بسیار است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه.

۲. جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی نمودن لذایذ نفسانی.

۳. کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی .
۴. حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه اسلامی .
۵. حضور معنوی گرایانه زنان و مردان در محیط اجتماعی .
۶. کاهش تقاضای مد پرستی بانوان .
۷. حفظ ارزش های انسانی ، مانند عفت ، حیا و متانت در جامعه .
۸. مصونیت زنان در همه زمانها و مکانها .
۹. سلامت و زیبایی موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی .
۱۰. هدایت ، کنترل و بهره مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی .
۱۱. مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب .
۱۲. از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و ناپهناجار (۸).

حجاب و امنیت اجتماعی

اکنون به توضیح برخی از فواید مذکور می پردازیم تا اثبات گردد حجاب از لوازم جدایی ناپذیر و ابزارهای اولیه و پایه ای جهت برقراری مداوم امنیت اجتماعی است.

ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه

نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است . زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا ، طوفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است . لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی ، حجاب ؛ داروی درمان کننده و موجد امنیت و صفای روحی است . همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می گوید : « سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان ، رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد (۹) ».

حفظ و استیفای نیروی کار

اسلام با التفات ویژه به مسأله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می خواهد که محیط اجتماع از لذت های ناهنجار جنسی ، پاک شده و راه را جهت حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار ، بگشاید . در مقابل ، بی حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت های جنسی از محیط کار و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه ، تضعیف نیروی کار افراد جامعه و برهم زدن امنیت اجتماعی آنان می گردد (۱۰).

مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب

مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است. به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی علیه السلام به جنگ فرهنگی متوسل شده گفت: می ترسم آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد برپا نماید! (۱۱). یکی از جنبه های مهم تهاجم فرهنگی غربی ها مبارزه با حجاب و از بین بردن امنیت اجتماعی بوده و هست و این امر، مشخصاً از زمان رضاخان شروع شد. به این صورت که تحت عنوان متحدالشکل شدن، با حجاب به مبارزه برخاستند و پوشیدن لباس روحانیت را قدغن، و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام را نیز ممنوع کردند (۱۲).

آنها همچنین به عنوان آزادی و هنر، انواع فساد و فحشا و ابتذال را ترویج دادند و حجاب را مانع اصلی این آزادی حقیقی معرفی کردند و امنیت اجتماعی افراد جامعه را به خطر انداختند. حفظ حجاب و امنیت اجتماعی و درک رابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می دهند:

۱. باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می گردند.
۲. جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل، به شرکت در فعالیت های هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می شوند.
۳. حفظ حجاب، نه تنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می شود، بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی، مسؤولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می نماید (۱۳).

آثار سوء بی حجابی و زوال امنیت اجتماعی

بی حجابی یا حضور تحریک کننده زنان در جامعه، از آثار زیانبار اخلاقی، سیاسی، آخرتی و اجتماعی مختلفی برخوردار است که یکی از مهم ترین آن ها زوال امنیت اجتماعی است. بی حجابی با اثرات مهلک خود که در ذیل آمده و شرح داده می شود، باعث از بین رفتن بنیه اعتقادی و امنیت اجتماعی بشریت می گردد.

۱. سقوط شخصیت

حجاب، قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت او خارج می سازد و خروج از هویت انسانی همان و سقوط از جایگاه بلند ارزشی شخصیتی همان. با افول شخصیت زن، بی بندوباری در جامعه رایج و نظام خانوادگی مختل می گردد و در نتیجه امنیت اجتماعی از افراد جامعه، سلب می شود (۱۴). سقوط شخصیت زن به دلایل زیر باعث اضمحلال امنیت اجتماعی می شود:

الف. زن با از دست دادن شخصیت خویش، ارزشهایش منهدم شده و هوسرانی را در جامعه رواج می دهد، در نتیجه سلامت اخلاقی و به دنبال آن امنیت اجتماعی نیز کاهش می یابد.

ب. زنان، با غفلت از اصول اخلاقی اسلام، مسایل جنسی را به محیط جامعه کشانده و زمینه گسترش گناه و از هم پاشیدگی نظم اجتماع را به وجود می آورند.

مجاب (بلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیله گاه
ج. زنان، با بی حجابی به معصیت کبیره خودنمایی گرفتار آمده و بی حیایی را در جامعه ترویج می دهند، در نتیجه امنیت اجتماعی، نابسامان گشته، از بین می رود.

۲. تزلزل خانواده ها

یکی از آثار زیانبار بی حجابی بانوان، تزلزل خانواده هاست، زیرا آنان با گسترش و رواج مسایل جنسی از خانواده به جامعه، مرتکب ظلمی فاحش و غیرقابل جبران اجتماعی می گردند و روابط زناشویی در خانواده ها را متزلزل می کنند، در نتیجه امنیت خانوادگی با خطرات جدی از قبیل از هم پاشیدگی بنیان خانواده و عقده مند شدن مردان، روبرو می شود و این مشکلات زیان بار به محیط جامعه کشیده شده، امنیت اجتماعی را در نظام اسلامی با آشتنگی جدی مواجه می سازد.

از دیگر آثار سوء بی حجابی و تأثیر آن در زوال امنیت اجتماعی می توان به فقدان تعادل فکری، روانی و اجتماعی افراد جامعه، ایجاد احساس بی مسؤولیتی در نسل جوان جامعه، از بین بردن انگیزه های ازدواج مشروع در جوانان و تقویت احساس بی ارزشی و پوچی انسان ها اشاره نمود، که به دلیل گستردگی بحث، از توضیح آنها خودداری می شود (ر. ک: مسأله حجاب، شهید مرتضی مطهری، ص ۸۰ - ۹۵. حجاب و جامعه، زهرا حسینی موسوی، ص ۹ - ۷۰ و حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، حسین مهدی زاده، بخش شبهه های وارده در حجاب و پاسخ های نغز آن از سوی دانشمندان اسلامی).

نتیجه

از مباحث بیان شده در این فصل، به خوبی رابطه حجاب و امنیت اجتماعی، آشکار می گردد و نمایان می شود که اسلام، جهت حفظ امنیت اجتماعی، طرفدار حجاب بیشتر و حداکثر بانوان، به ویژه زنان و دختران جوان در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم است. از دیرباز، بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس های بلند، مقنعه و چادر مشکی، ضامن امنیت بوده و دارای اصل و ریشه ی قرآنی می باشند. از این موضوعات به خوبی این نکته فهمیده می شود و به دست می آید که مسأله حجاب، یکی از مهم ترین چارچوب های احکام الهی جهت تضمین سعادت فردی و اجتماعی بشریت است و اینکه عده ای با استفاده از شبهات و روش های القایی تبلیغ منفی، به جای ارائه دادن طرح مشخص و جالبی برای ترویج الگوهای مطلوب از حجاب اصیل و برتر، به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدین و عقیف جامعه و اضمحلال امنیت اجتماعی اقدام می نمایند، به سختی در اشتباه و گمراهی آشکارند و باید بدانند که از اقدامات نابهنجار خویش سودی جز تخریب شخصیت درونی خود نخواهند برد.

با توجه به واقعیتهای موجود از حجاب در جامعه، باید تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما به سوی ارزش های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد را به مهم ترین وجهی رهنمون گردند.

پی نوشت فصل :

۱. نور، ۳۰.

۲. احزاب، ۵۹.

۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۴۰.

۴. احزاب، ۵۳.

۵. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۴.

۶. محجة البيضاء، ج ۵، ص ۱۷۷.

۷. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۴ - ۱۶.

۸. برای آگاهی بیشتر درباره آثار و فواید پوشش و حجاب و امنیت اجتماعی، ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تشخیص منزلت زن در نظام اسلامی.

۹. ر.ک: آیین بهزیستی، ج ۳، ص ۲۱۹.

۱۰. مسأله حجاب: استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۹۴ - ۸۴.

۱۱. «.. أَنِي أَخَافُ أَنْ يُبَدَّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهَرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادُ»، سوره مؤمن، آیه ۲۶.

۱۲. ر.ک: انقلاب یا بعثت جدید، حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، ص ۱۷.

۱۳. ر.ک: پژوهشی نوپیرامون انقلاب اسلامی، حمید دهقان، ص ۱۸۲ - ۱۸۰.

۱۴. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۹۰ - ۱۹۳.

فصل دهم

زیبایی پوشش

زیبایی پوشش

یکی از امتیازات انسان، در مقایسه با موجودات دیگر، تهیه پوشش مناسب برای اندام خویش است. بر این اساس، لباس پوشیدن یکی از شؤون و ویژگی های انسان است. لباس، افزون بر حفظ انسان از سرما و گرما و برف و باران و یاری دادن وی در حفظ عفت و شرم، در آراستگی و زیبایی آدمی نیز نقشی مهم ایفا می کند و می توان آن را نشان دهنده ی گرایش اعتقادی فرد و تعلق وی به فرهنگی خاص دانست. قرآن کریم ضمن نعمت و هدیه خداوند خواندن لباس، به کارکردهای مختلف آن اشاره می کند و می فرماید:

« ای فرزندان آدم، برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه ی زینت شما است و لباس تقوا بهتر است. این از آیات خداوند است. باشد که متذکر شده، پند گیرید. » (۱)

در این راستا، پوشش اعضای جنسی به دلایل گوناگون از اهمیت بیش تری برخوردار است. برابر کامل ترین کتاب آسمانی، قرآن و دیگر کتب مقدس، تاریخ رویکرد آدمیان به پوشش از نخستین انسان ها یعنی حضرت آدم و حوا آغاز می شود. در قرآن کریم آمده است:

« فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سواتهما و طبقا یخصفان علیهما من ورق الجنة؛

و آنگاه که آدم و حوا از آن درخت ممنوع چشیدند، پوشش خود را از دست دادند [عورتشان آشکار گردید] و به سرعت با برگ درختان بهشتی خود را پوشاندند. » (۲)

در کتاب مقدس نیز می خوانیم:

« چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکو است و به نظر خوش نما و درختی دلپذیر، دانش افزا. پس از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگ های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند.... و خداوند، رخت ها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید. » (۳)

بر اساس پژوهش ها، از آغاز پیدایش انسان، هر یک از زن و مرد کوشیده است تا پوشش مناسب خود را تهیه کند. آدمی نخست با برگ درختان، سپس با پوست حیوانات و بعدها با دست بافت های خود، خویش را پوشاند. (۴) تمام کسانی که زندگی بشر و تحولات آن را ارزیابی کرده اند. بر این تلاش تاکید ورزیده اند؛ برای نمونه دکتر شیبانی در کتاب « تاریخ تمدن »، با اشاره به اینکه تمدن سومری ها از نخستین تمدن های بشری است، می نویسد:

« نخستین دسته ای از نژاد انسان که در این نواحی متمرکز شدند و نخستین شهر حقیقی را بنا نهادند، سومری ها بودند؛ و چون سرزمین آن ها بی اندازه حاصلخیز بود، در سال دو مرتبه محصول برداشت می نمودند و به گله داری و پرورش دام می پرداختند و از الاغ و گوسفند و بز و گاو نر استفاده می کردند.

از پشم و کرک بز پارچه تهیه می نمودند و از پارچه های کتانی که به آن نام گاد، (gud) می دادند، البسه (انواع لباس) درست می کردند. (۵)

خوشبختانه با پیشرفت صنعت و دست یافتن به منابع و ابزار جدید، پوشش نیز از تغییرات تکاملی بهره مند گردید و انسان به پوشاک مناسب تر دست یافت. نکته قابل توجه آن است که اگر چه حیات آدمیان از همان آغاز با « پوشش » پیوند خورده است، به دلیل وجود

نوعی احساس حیای طبیعی در جنس ماده، زنان در طول تاریخ در امر پوشش تلاش و جدیت بیش تر از خود نشان داده اند. (۶) دانشمندان، در مورد علت اشتیاق و جدیت بیش تر زنان، نظریات گوناگون ارائه داده اند؛ بسیاری ریشه اشتیاق بیش تر زنان به پوشش را طبیعت آنان دانسته اند.

دکتر فخری، دانشمند فیزیولوژیست مصری، در این باره می نویسد:

نوعی احساس حیا در حیوانات وجود دارد؛ زیرا میل به اختلاط جنسی در حیوانات به صورت ادواری است؛ یعنی در مقاطع خاصی از زمان چنین میلی وجود دارد و در مقاطع دیگر زمانی تمایلی به آمیزش جنسی در آنان به چشم نمی خورد. در چنین مواقعی، آنان نوعی احساس حیای تناسلی دارند. بنابراین، ممکن است بگوییم اصل و مبدا احساس حیا، همان احساس طبیعی جنس ماده در مورد حیا است و به همین جهت می بینیم نوع احساس حیا در زنان از مردان قوی تر است. (۷) وبل دورانت نیز می گوید:

« شرمگینی، خاص نوع انسان نیست و شباهت آشکاری دارد به کراهت حیوان ماده از جفت شدن در غیر فصل جفت جویی یا خارج از حد معتاد آن. مسلماً ریشه ی شرمگینی نیز از همین جا است. » (۸)

در مقابل، ویلیام جیمز، روان شناس معروف، حیا را امری اکتسابی می داند و می نویسد:

« زنان دریافتند که دست و دلبازی مایه ی طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند....»

یکی از محققان سبب گرایش زنان به حیا را چنین توضیح داده است:

« خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش، بهترین سلاح برای شکار مردان است... مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بی آن که بداند، حس می کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و دقت عالی خبر می دهد. » (۹)

شوپنهاور نیز حیای زن را رهاورد پیمان پنهانی زنان برای افزایش ارزش و جذابیت خود و وادار ساختن مرد به جست و جو می داند. (۱۰)

طبق این دیدگاه، حیا امری غریزی نیست؛ به نوعی در نهاد زنان ریشه دارد و از سرشت خاص آنان بر می خیزد.

به هر حال، به گواهی متون تاریخی، در میان اکثر قریب به اتفاق ملتها و کشورهای جهان حجاب زنان معمول بوده است. مؤرخان، به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای حجاب مناسب نبوده یا برهنه در اجتماع ظاهر می شدند، نام می برند. تعداد این اقوام آن قدر اندک است که در مقام مقایسه قابل ذکر نیستند. (۱۱) از این رو، می توان نتیجه گرفت: در اقوام بدوی و غیرمتدنی که زنانشان حجاب مناسب نداشتند، وجود برخی موانع، سبب جلوگیری از بروز استعداد های طبیعی و فطری زنان شده یا عواملی ناشناخته انحراف آنان از مسیر فطرت را رقم زده است.

حجاب زنان در طول تاریخ، فراز و نشیب های بسیار دیده و در سایه ی فرهنگ ها و سلیقه های حاکمان و متنفذان مذهبی تشدید یا تخفیف پذیرفته، ولی همواره تداوم یافته و هیچ گاه به طور کامل از میان نرفته است. بسیاری از مؤرخان به گستردگی دامنه حجاب و رواج آن در بین زنان اشاره کرده اند. فرید وجدی با تصریح به قدمت حجاب، با استناد به دایرة المعارف لاروس، گزارشی مفصل از پوشاندن

حجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
صورت و همه اندام‌ها توسط زنان یونانی و فنیقی ارائه می‌دهد و از رواج حجاب در میان زنان اسبرطا، سیبری، آسیای صغیر، فارس
و عرب سخن می‌گوید. (۱۲)

ویل دورانت زنان بریتانیای جدید و جزیره برنئورا دارای حجاب کامل خوانده است. (۱۳) راسل کیفیت حجاب در عصر ملکه ویکتوریا
را شدید می‌شمارد. (۱۴) و مهدی قلی هدایت از رواج حجاب در چین سخن می‌گوید. (۱۵)

بدون آن که تحت تاثیر هیچ آموزه، فرمان یا تذکری قرار گیرند، به وسیله برگ‌های درختان بهشتی به سرعت خود را پوشاندند -
راز رویکرد انسان به پوشش را نهاد و فطرت او دانسته اند؛ زیرا اولاً، نخستین انسان‌ها به طور فطری به پوشش روی آورده‌اند.
ثانیاً، گزارش‌های موجود به خوبی اثبات می‌کند که حجاب زن در نقاط مختلف جهان به طور کامل رعایت می‌شده و در بعضی از موارد
با شدت و سختی همراه بوده است. ثالثاً، اگر اکنون نیز به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم، معمولاً بودن حجاب زنان را به خوبی در
می‌یابیم.

آقای « براون و اشنايدر » در کتابی به نام « پوشاک اقوام مختلف » تصویر لباس‌های ملی و رایج کشورهای مختلف جهان از عهد باستان تا
قرن بیستم را به تفصیل ارائه کرده است. نگاهی کوتاه به این کتاب نشان می‌دهد یهودیان، مسیحیان، اعراب، یونانیان، اهالی رم، آلمان
، خاور نزدیک و ... حجاب را به طور کامل رعایت می‌کردند و اکثراً سر خویش را نیز می‌پوشاندند. برابر تصاویر این کتاب، کاهش
تدریجی حجاب زنان از نیمه دوم قرن هیجدهم در اروپا آغاز شد؛ ولی حتی تا اواخر قرن نوزدهم، اروپاییان همچنان لباس بلند
می‌پوشیدند و سر را نیز می‌پوشاندند. (۱۶)

متداول بودن حجاب در میان ملل مختلف که عقیده، مذهب و شرایط جغرافیایی متفاوت داشتند، نیز نشان دهنده تمایل فطری زنان به
حجاب دانسته شده است. بسیاری از جامعه‌شناسان حجاب زن را مقتضای طبیعی جامعه بشری معرفی کرده‌اند منتسکیو می‌نویسد:
« قوانین طبیعت حکم می‌کند زن خوددار باشد؛ زیرا مرد با تهور آفریده شده است و زن نیروی خودداری بیش تری دارد. بنابراین،
تضاد بین آن‌ها را می‌توان با حجاب از بین برد و بر اساس همین اصل، تمام ملل جهان معتقدند که زنان باید حیا و حجاب داشته باشند. »
(۱۷)

در نظر منتسکیو، از دست رفتن عفت زنان به قدری نواقص و معایب پدید می‌آورد و روح مردم را فاسد می‌کند که اگر کشوری بدان
دچار گردد، در بدبختی‌های فراوان فرو می‌رود. به خصوص در حکومت دموکراسی از دست رفتن عفت سبب بزرگترین بدبختی‌ها و
مفاسد می‌شود و اساس حکومت را از بین می‌برد. بدین جهت، « در جمهوری نه تنها اخلاق فاسد بلکه تظاهر به فساد اخلاق و سبکی را
نیز منع کرده‌اند؛ چه آن‌که عشوه‌گری و طنازی که از بیکاری زن‌ها تولید می‌شود، نتیجه‌اش آن است که قبل از آن که خود زن‌ها
را فاسد کند، دیگران را فاسد می‌نماید. » (۱۸)

با عنایت به تمایل فطری زن و نقش حیاتی پوشش زنان در کنترل و هدایت غرائز شهوانی در مسیر صحیح و جلوگیری از فساد و تباهی
جامعه، پیامبران الهی، هماهنگ با فطرت انسانی زنان، آنان را به حجاب فراخواندند و بدین وسیله اشتیاق درونی شان را با قوانین
تشریحی استحکام بخشیدند. (۱۹)

آری، پروردگار جهانیان از یک سو گرایش به پوشش را در نهاد زنان به ودیعت گذارد؛ از سوی دیگر، پوشاک را در لابه لای نعمت های بیکرانیش به بشر ارزانی داشت؛ و از سوی سوم «حجاب» را بر زنان واجب ساخت تا گوهر هستی «زن» در صدف پوشش صیانت گردد و جامعه از فرو افتادن به گرداب فساد و تباهی نجات یابد. قرآن کریم برهنگی و کنار گذاشتن لباس را دام شیطان معرفی می کند و انسان ها را از فرو افتادن در چنین دامی بر حذر می دارد:

« ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را بفریبد آنچنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از تنشان بیرون آورد تا عورتشان را به آن ها بنمایاند. همانا شیطان و گروه وابسته به او، شما را از جایی [یا به گونه ای] می بینند که شما آن ها را نمی بینید. ما شیاطین را اولیا و دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.» (۲۰)

از نظر تاریخی، شکل نوین بی حجابی از قرن نوزدهم آغاز شد. پس از رنسانس و انقلاب علمی صنعتی، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، به تدریج زمینه لازم در اروپا فراهم گردید و با وقوع نهضت به اصطلاح آزادی زنان! کنار گذاشتن حجاب مورد تشویق و تکریم قرار گرفت؛ به گفته ویل دورانت، فیلسوف تمدن نگار غرب، کارخانه داران بزرگ برای استفاده از نیروی کار ارزان قیمت زنان و حضور آنان در محیط کار، تبلیغات وسیعی را آغاز کردند و زنان نیز که از حقیقت امر ناآگاه بودند، برای دست یافتن به حقوق از دست رفته ی خویش تلاش فراوان کرده، موجی جدید به وجود آوردند که «نهضت زنان برای آزادی» نامیده شد و در باره ضرورت آن تبلیغات وسیعی در مطبوعات انجام گرفت. (۲۱) دامنه ی این اقدامات کم کم کشورهای اسلامی را نیز فرا گرفت نخستین کشور اسلامی که به صورت رسمی به کشف حجاب بانوان روی آورد، افغانستان بود؛ دومین کشور ترکیه بود که پس از سقوط دولت عثمانی، در سال ۱۳۱۳ شمسی منع حجاب در آن رسمیت یافت؛ در ایران نیز رضاخان، در هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ شمسی به صورت رسمی کشف حجاب را اجرا کرد.

پی نوشت فصل:

۱. اعراف (۷): آیه ۲۷.

۲. اعراف (۷): آیه ۲۴.

۳. تورات، سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۶-۸ و ۲۰ و ۲۱.

۴. ویل دورانت در صفحه ۱۵۵ نخستین جلد تاریخ تمدن درباره پوشاک انسان و تاریخ صنعت بافندگی می نویسد: از آن وقت که انسان توانست سنجاق و سوزن را بسازد، به بافندگی پرداخت؛ و نیز می توان گفت که، از وقتی که انسان بافندگی را آغاز کرد بر حسب ضرورت سوزن و سنجاق را ساخت؛ چون انسان تنها به این خشنود نبود که با پوست حیوانات خود را بپوشاند. با پشم گوسفند و الیاف گیاهان لباس هایی را برای خود تهیه کرد و همین لباس ساده است که جامه ردهندی و شنل یونانی و لنگ مصری قدیم و سایر اقسام

حجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیض گاه
گونگون و جذاب لباس انسان را در عهدهای مختلف تشکیل داده است. در این هنگام است که بافندگی از مهم ترین هنرهای مخصوص زن
گردیده است. دوک ها و ماسوره هایی که در میان عصر جدید به دست آمده، به خوبی نشان می دهد که صنعت عظیم بافندگی ریشه دوری
دارد.

۵. تاریخ تمدن، نظام الدین مجیر شیبانی، ص ۴۳.
۶. المرأة و فلسفة التناسلیات، فخری، ص ۲۷۸، لذات فلسفه، ویل دورانت، ص ۱۲۹.
۷. المرأة و فلسفة التناسلیات، فخری، ص ۲۷۸ و ۲۸۰ و ۲۸۹.
۸. لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، ص ۱۲۹.
۹. همان، ص ۱۲۹.
۱۰. حسینی نجفی، ص ۱۱۶.
۱۱. النادر کالمعدوم؛ موارد کمیاب همانند نایاب است.
۱۲. دایرة المعارف فریدو جدی، ج ۳، ص ۳۳۶.
۱۳. تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۷۲.
۱۴. زناشویی و اخلاق، ص ۱۳۴.
۱۵. خاطرات و خطرات، مهدی قلی هدایت، ص ۴۰۵.
۱۶. ر. ک. پوشاک اقوام مختلف، ترجمه یوسف کیوان شکوهی.
۱۷. زن در آینه تاریخ، علی اکبر علویقی، ص ۱۱۵.
۱۸. روح القوانین، منتسکیو، ترجمه علی اکبر مهتدی، ص ۳۲۵.
۱۹. برای تفصیل بیش تر به حجاب در ادیان الاهی از نگارنده مراجعه می شود.
۲۰. اعراف (۷): ۲۷.
۲۱. لذات فلسفه، ص ۱۵۱.

فصل یازدهم

سوغات فرنگ

سوغات فرنگ

می گویند " تنهایی " از دردهای سترگ انسان است که همیشه برای او طعمی تلخ داشته است . گفته اند که انسان با انسان خوش است و در همان دمی که پیرامونش از انسان عاری و خالی می گردد حالات و سکنتاتی برای او رقم می خورد که گاه خودش نیز از چنین کردارها و گفتارهای غریب در عجب می شود و شکفت زده می گردد . انسان همیشه بر حسب فرمان فطرت خود از تنهایی می گریخته و از تنها ماندن وحشت داشته است . مثنوی معنوی مولوی که خود بحری بی کرانه از تموج معنی است با شکوه از جدایی آغاز می شود :

بشنو از نی چون حکایت می کند

وز جدایی ها شکایت می کند

" احسان چایچیان " شاعر معاصر ، در شعری لطیف به مضمون تنهایی و جدایی می پردازد :

شبی دیدم کنار بوستانی

فتاده یک نی از دست شبانی

نشستم با تانی در کنارش

گرفتم از رخس گرد و غبارش

نهادم بر لبش لبهای لرزان

دمیدم بر درونش آه سوزان

ز سوز آه من نی ناله ها کرد

به صحرا شور و غوغایی پیا کرد

بنال ای نی که بس آزرده ام من

که رد پای او گم کرده ام من

در آن هنگام که خداوند بر حضرت آدم احسان کرد و باغ زندگی او را به وجود " حوا " معنا بخشید ، غم تنهایی را از او زایل ساخت . از آن زمان به بعد که عالم را بقایی و آدم را امیدی به حرکت آورد ، خیمه زندگی بشر پیا شد . در حالی که نیمی از آن را " زن " استوار کرده بود ، موجودی که بدون او ، برای نظام آفرینش ، آغاز و انجامی تصور نمی شود . یکی از دلایلی هم که شاعران به مضمون زن با این همه لطافت بیان پرداخته اند همانا اهمیت این وجود ارزنده در خروج مرد از ظلمات تنهایی است :

هان مبر بد نام زن را ای کثیف

چیست زن جز مظهر اسم لطیف

زن ملایک را تداعی می کند

زن بشر را اجتماعی می کند

بر همین اساس، در آیین حیات بخش اسلام برای « زن » شخصیتی فوق‌العاده و منزلتی والا مقرر شده است و از او به عنوان موجودی یاد شده که باید مورد تکریم و مشمول مهر و محبت کافی قرار گیرد. به گونه‌ای که در قرآن کریم سوره‌ای به نام " نساء " است که مشتمل بر ۱۷۶ آیه می باشد. علاوه بر این در اسلام برای تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی، خانوادگی و زناشویی و حقوق زن، قوانین عادلانه‌ای وضع شده است. و از زنان شایسته آن چنان یاد می کند که گویی هیچ فرشته‌ای نمی تواند به بلندای مقام او نایل آید. خداوند برای آن که این ریحانه ی آفرینش در امنیت و آسایش به سر ببرد حکم " حجاب " را مقرر کرد. حجاب قانونی است که نه برای محدود کردن استعداد های زنان، بلکه برای محدود کردن خطر هایی که استعدادها و موجودیت زن را تهدید می کند، وضع شد.

دیدگاه اسلام به اجتماع و مسائل آن، کاملاً حکیمانه است. اسلام می خواهد حکمت و عزت و مصلحت همواره در همه ابعاد جامعه دین محور، محقق باشد؛ جامعه‌ای آنچنان پاک که در آن اثری از فساد و انحراف وجود نداشته باشد.

از جمله عوامل اساسی که پاکیزگی اجتماع و سلامت اخلاقی را ضمانت می کند، حکم حجاب است. با وجود حجاب، زنان از بی عفتی و عشوگری و انحراف باز داشته می شوند و صیانت خانواده حفظ و از سقوط آن جلوگیری می گردد.

" حجاب " ایمنی بخشنده و نگهبان جامعه است زیرا " بی حجابی " همچون " وبا "یی است که در صورت گسترش آن در میان توده مردم، بسیار زود همه را آلوده و بیمار می کند. اسلام با دوراندیشی کامل، پیروان خود را به حجاب و به ترک خودنمایی امر می کند تا پیش از وقوع حوادث خانمان برانداز و شیوع فساد، ریشه های آن خشک گردد و امکان رشد فساد اجتماعی بوجود نیاید. بدیهی است که رژیم های مستبد و ضد خدا، همواره از این حکم ارزشمند فردی و اجتماعی در بیم و هراس بوده و هستند و پیوسته به گونه های مختلف می کوشند تا در سایه بی بندوباری و بی حجابی به مطامع شیطانی خود برسند. بی حجابی، غفلت زاست و غفلت و بی خبری همواره مردم را از توغل و تدبیر در کنه حوادث باز می دارد و سرخوشی های کاذبی را برای ایشان رقم می زند. هراس دشمنان دین و مردم از حجاب که خود مهمترین ساز و کار تحقق عفاف و آن نیز پدیدآورنده ی آگاهی و اندیشه است، تا به آنجاست که در گفتار و کردار، آن را بی محابا بر زبان جاری می سازند و به انحاء شیوه ها و شگردهای مختلف در جلوگیری از این حکم مسلم الهی تلاش می کنند.

اسدالله اعلم وزیر دربار شاه معدوم در قسمتی از خاطرات خود (سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰) می نویسد:

" در شرفیایی، شاه از من به خاطر سخنرانی دیروزم در دانشگاه پهلوی شیراز تمجید کرد؛ به او گفتم که چه استقبال گرمی از من به عمل آمده بود: ۳۰۰ دانشجو در استادیوم ورزشی (دانشگاه) اجتماع کرده بودند، البته از دیدن این همه دختر با چادر وحشت کردم. در زمان خودم در مقام ریاست دانشگاه، چادر کم و بیش منسوخ شده بود. هر دختری که می خواست آن را بر سر کند تحقیر می شد. لیکن در کنفرانس دیروز سی نفرشان بودند، مناسب ندیدم که در آن لحظه اظهار نظری بکنم. ضمناً به من اطلاع داده شد که بعضی از این دختران از دست دادن با فرهنگ مهر، رئیس جدید دانشگاه، خودداری کرده اند، و مدعی بودند که اسلام هر نوع تماس جسمانی را با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج ممنوع کرده است. شاه خیلی اوقاتش تلخ شد."

حجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
امروز هم در اروپا و آمریکا که سرانش آن را مهد تمدن و فرهنگ می نامند و آزادی را شعار و پیشه ی اصلی خود برمی شمارند هراس
از حجاب ، لحظه ای ایشان را رها نمی کند.

به گزارش پایگاه اینترنتی اسلام آن لاین ، وکلای وزارت آموزش و پرورش نیروژ به شورای شهر اسلو ، پایتخت نیروژ ، اعلام کردند که
بر اساس قانون نیروژ آنان اجازه خواهند داشت که حجاب را ممنوع کنند.

بر اساس گزارشی از رویترز ، اسلو در نظر دارد تا معلمان مسلمان محجبه را از پوشیدن روسری ، تقاب و یا هرگونه پوششی که
حجاب محسوب شود منع کنند ، زیرا به ادعای آنان چنین پوششی مانع برقراری ارتباط مستقیم و مناسب میان دانش آموز و معلم می شود.

" توئر جر اودگارد " ، رییس اداره آموزش و پرورش اسلو گفت : ما پس از پایان فصل تابستان و در ماه آگوست رسماً حجاب را ممنوع
خواهیم کرد.

در پی انتشار خبر تصویب قانون ممنوعیت حجاب در نیروژ ، مسلمانان این کشور به شدت خشمگین شدند و اعتراض خود را به صورت
تظاهرات ، مراجعه به مراجع قانونی و غیره ابراز داشتند . اکثر مسلمانان اسلو را پاکستانی ها و سومالیایی ها تشکیل می دهند.

رهبان اسلامی مسلمانان نیروژ نیز در بیانات اخیر این اقدام را به شدت محکوم کرده و آن را نقض حق مسلم زنان و تجاوز به حریم
آزادی های فردی دانسته اند.

در فرانسه نیز از سال ۲۰۰۴ تا کنون بر اساس قانونی جدید تمامی معلمان و دانش آموز مسلمان ملزم شدند که بدون حجاب در محیط مدرسه
حضور یابند ، در غیر این صورت باید برای همیشه مدرسه را ترک کنند . در این کشور ، مسلمانان ، ۸ درصد از کل جمعیت را در
اختیار دارند.

همچنین در کشور آلمان با ۵ میلیون نفر مسلمان ، ۸ ایالت ، حجاب را برای معلمان مسلمان مدارس دولتی ممنوع کرده اند ، که برلین هم
از این جمله است.

دسامبر گذشته پارلمان هلند نیز رای به ممنوعیت استفاده از " برقع " دادند . استفاده از " برقع " اخیراً نیز در شهر ماسیک بلژیک ،
ممنوع شده است.

بی حجابی لجام گسیخته در این کشورها هر روزه نه تنها جامعه ایشان را نجات نداده است بلکه هر روز که می گذرد بلاهای مختلفی را
ارزانی می دارد . این کوردلان نابخرد به چشم می بینند که بی حجابی تا چه حد بنیان روابط سالم اجتماعی را از بن برمی دارد و خانواده
ها را متلاشی می کند اما به خاطر عمق عنادی که با دین و دین خواهی دارند هرگز حاضر به گردن نهادن و پذیرش این عامل مهم صیانت
اجتماعی و اعتقادی نیستند ؛ زیرا :

« حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ »

خداوند بر دلهای آنان و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگانشان پرده ای است و آنان را عذابی دردناک است.

آنچه ایشان نام تدبیر بر آن نهاده اند و به گمان باطلشان مبارزه با توهم و خرافات است در اصل نیرنگی است که بر خدا و مومنان می زنند:

« يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ »

با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند و نمی‌فهمند.

بی‌حجابی برای غرب فکری جدامانده از آیین‌های آینه پرورالهی، سوغات‌های ناروایی را به ارمغان آورده است:

سقط جنین (کورتاژ) و قطعه قطعه کردن آن با آلات گوناگون یکی از مفاسد بی‌حجابی یا بدحجابی می‌باشد.

روشن است که زن بی‌حجاب یا بدحجاب، بسیاری از اوقات تحت فشار جوانان بی‌پروا قرار می‌گیرد و طعمه دست آنها می‌گردد و او را مورد تجاوز قرار داده و شرافت و احترام او را از بین می‌برند. در نتیجه زن از راه نامشروع بارداری می‌شود و برای اینکه راز آن عمل زشت و پلیدش فاش نشود ناچار می‌گردد جنین را سقط کند. آمار کورتاژ، در کشورهای غربی روز به روز در حال افزایش است: در لندن آمار سقط جنین از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۰ از ۵۰ هزار به ۸۳ هزار رسیده و در سال ۱۹۷۱ آمار مزبور به ۲۰۰ هزار افزایش یافته است. این نسبت در فرانسه به طرز سرسام‌آوری افزایش یافته به طوری که در هر ۲۰۰ نوزاد، ۴۶ تا ۱۴۳ مورد آن سقط شده است. به گزارش مطبوعات مسکو از جمله پراودا در گذشته در اتحاد جماهیر شوروی سابق در هر سال شش میلیون سقط جنین وجود داشت.

یکی دیگر از مفاسد بی‌حجابی، فساد اخلاقی جوانان و گرایش ایشان به انحراف جنسی می‌باشد. در گزارشی آمده است که در آمریکا تعداد بیمارستانهایی که اختصاص به امراض جنسی دارد به ۶۵۰ بیمارستان می‌رسد.

در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی‌شود، افزایش روز افزون بیماریهای روانی هم به خوبی مشهود است.

پرفسور سیمور هالوک [Simur Halok] مدیر قسمت روانی دانشگاه "ویسکونسن" می‌گوید:

فقط در این دانشگاه سالانه بیش از ۸۰۰ دانشجوی به کلینیک بیماریهای روانی مراجعه می‌کنند. نه تنها من و همکارانم بلکه اکثر روان‌شناسان دانشگاه‌های آمریکا از وضع روحی نسل جدید آمریکا دچار وحشت شده‌اند.

جالب توجه اینکه گاهی برخی از اندیشمندان جوامع غربی بر فساد دامن گیر جوامع خود به نوعی مهر تایید می‌زنند اما هم گستره و هم عمق فساد چندان زیاد است که گویا جز اعتراف تلخ به این همه فجایع کاری از دستشان بر نمی‌آید.

"توماس اکمبس" می‌گوید:

لذت‌های جسمانی در اول کار به ما لبخند می‌زند ولی عاقبت نیش زهر آلود خود را در روح ما فرو برده و هلاکمان می‌کند.

آمار وحشتناک خودکشی‌ها در غرب نیز نشان‌دهنده‌ی میزان اختلالات روانی موجود در غرب می‌باشد.

بنابر نوشته "دیل کارنگی" روان‌شناس مشهور آمریکایی در آلمان سالانه ده هزار نفر خودکشی می‌کنند. البته این رقم جدا از ۱۳۰۰۰ نفری هستند که نجات یافته‌اند. در فرانسه نیز سالانه ۳۵ هزار نفر دست به خودکشی می‌زنند.

طبق آمار یونسکو در هر دقیقه یک نفر در آمریکا در صدد خودکشی برمی‌آید.

بنابراین به نمایش گذاشتن اندام یا زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت یک بیماری روانی محسوب می‌گردد بلکه بیماری‌زا نیز بوده و امراض روانی، در دیگران ایجاد خواهد نمود.

مجاب (بلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
بعضی از کوتاه فکران خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم بصورت عادی در می آید و دیگر افراد تحریک نمی شوند. از نظر جنسی شاید چنین باشد ولی عطش روحی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه به طور مدام افزایش خواهد یافت. اگر چنین بود، در غرب آزادانه تجاوزات جنسی تحقق نمی یافت، ولی بنا به نوشته مجله Plaintruth تجاوز به عنف از هر ۳۴ دقیقه یک فقره، به ۱۴ دقیقه رسید و طبق نوشته مجله آمریکائی نیوزویک هر سال دهها هزار کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفاده های دیگر قرار می گیرند.

تنها در ترکیه که ۹۸ مردم آن مسلمان هستند، ولی فرهنگ غرب در آن گسترش پیدا کرده با آنکه طبق آمار شهربانی کل آن کشور ۶۰۵ مرکز رسمی فحشاء موجود بوده، و ۵۶۵ مرکز غیر قانونی فحشاء کشف و سیزده هزار و ششصد و هفتاد و یک زن بدکاره مورد تعقیب قرار گرفته، ۲۰۹ دختر مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند.

طبق آمار در انگلستان ۴۱ درصد زنان ۱۶ تا ۳۰ ساله از اینکه احتمالاً مورد تجاوز قرار گیرند همیشه و بطور دائم بسیار نگران هستند؛ بیش از ۱۱ درصد زنان انگلیس معتقدند که به هر حال یک روزی از سال مورد تجاوز قرار خواهند گرفت؛ ۴ درصد زنان این کشور از آذیرهای هشدار دهنده، تجاوز جنسی استفاده می کنند و ۷ درصد آنها کلاسهای دفاع از خود دیده اند.

این آمار بخوبی اثبات می کند که فرهنگ فساد و بی حجابی خود عامل تحریک و تجاوز به عنف است نه موجب عادی شدن آن. جامعه غربی که سنت الهی حجاب را وانهاده است هر روز بیش از روز پیش در گرداب اندیشه های باطل خود فرو می غلتد و علی رغم پیشرفت هایی که در عرصه علوم تجربی نموده است در عرصه عقل مدنی براستی وامانده است. تشتت های اجتماعی، نابسامانی های فزاینده روحی و روانی، پدید آمدن انواع بیماری های نوظهور، یاس های بنیان برانداز شخصی و بروز ایدئولوژی های مبتنی بر پوچ گرایی **absurdism** همه و همه نتیجه گرفتار شدن جامعه به بی حجابی است.

و چه زیبا گفته اند که :

غنچه به باغ ایمن است تا بود اندر حجاب آفت جان و دل است، چهره عیان داشتن

فصل دوازدهم

فداییان مجاب

آهنگ اسارت زن

مماسه ی جامع گوهرشاد

مسئله ی مجاب و فلسفه ی سیاست

فدایان حجاب

عالمان و مشعل داران هدایت و جانشینان انبیا پوشش زن را فرمان خدا و سنتی ارزشمند می دانند و زنان مسلمان حجاب را چتر مصونیت و مایه افتخار و عزت خویش می شناسند.

و از سوی دیگر استعمارگران این سنت الهی اسلامی را بزرگترین مانع سر راه خود جهت نفوذ در بلاد اسلامی شناخته از آنگاه که پا به کشورهای اسلامی نهادند این سنت والا و ارزشمند را مورد تهاجم قرار دادند و آشکار و پنهان با حجاب مبارزه کردند. آنان با از بین بردن حجاب، نیمی از امت اسلامی را در کمند وابستگی به سیاست های شیطانی خود گرفتار و زمینه انحراف و استثمار را برای همگی فراهم کردند.

در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ قمری مطابق ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ شمسی استعمار پایدار جهت پیاده کردن نقشه های شوم خویش رضاخان را از ایران و آتاتورک را از ترکیه و امان الله خان را از افغانستان به اروپا فرا خواندند و طی یک سفر سیاحتی تفریحی مغز آنان را شستشو دادند و سپس جهت اجرای مقاصد شوم خود آنان را به کشورهای اسلامی برگرداندند تا آرام آرام سنگر حجاب را نابود کنند و بعد هم اهداف شیطانی دیگر خویش را به مرحله اجرا گذارند.

آهنگ اسارت زن

در راستای آن حرکت استعماری رضاخان در نوروز همان سال روزی به همراه خانواده خویش به شهرستان قم آمد و در جوار حرم ملکوتی فاطمه معصومه (س) در مراسم تحویل سال - نوروز - شرکت نمود. لکن خانواده او و زنان همراه روسری ها را عقب زده و با بی حجابی ایستادند تا راه را بر دیگران باز کنند. لکن عالم آگاه و شجاع و دلسوز حضرت آیت الله شیخ محمد تقی بافتی که از وضعیت باخبر شد طی اطلاعیه ای خطاب به رضاخان و همراهانش چنین نوشت و اطلاعیه معظم له بر در و دیوار قم نصب گردید:

« شما چه کسانی هستید؟! اگر از غیر دین اسلام هستید در این مکان شریف چه می کنید؟! و اگر مسلمانید در حضور چندین هزار جمعیت در غرفه حرم چرا «مکشفة الوجه و الشعر» نشسته اید؟! »

رژیم رضاخان آیت الله بافتی را دستگیر کرد و به تهران برد و پس از پنج ماه حبس در زندان شهربانی مرکز در تهران او را در منزل تحت نظر و کنترل نگه داشتند.

رژیم مزدور پهلوی مبارزه با حجاب را ادامه داد و برای اجرای آن هدف، جشن هایی در شیراز در سال ۱۳۵۳ قمری مطابق با ۱۳۱۳ شمسی برگزار کرد. این مجلس در مدرسه شاهپور توسط میرزا علی اصغر خان حکمت شیرازی (وزیر معارف و فرهنگ) منعقد گردید و روز پنج شنبه بعد از ظهر (در ماه ذی حجه) حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر زن و دختر بدون چادر به رقص و پایکوبی پرداختند در تهران در میدان جلالیه با حضور رئیس الوزراء (ذکاء الملک فروغی) دخترهای مدارس را بدون چادر و بی حجاب جمع کردند و متینگ خاصی را انجام دادند، در جمع آنان گفته شد: نسلی باید پرورش یابد که قبله گاهش « غرب » باشد و زیارتگاهش « لندن ».

قضایای کشف حجاب بر صفحات روزنامه ها نقش بست و هر روز دست به دست می گشت ؛

مجاب (بلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
آیت الله سید عبدالله شیرازی از شیراز به قم آمد و با آیت عظام مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری و سید احمد خوانساری و حاج
میرزا مهدی بروجردی ملاقات کرد و سپس به مشهد رفت و در مشهد با آیت الله حاج آقا حسین قمی ملاقات نمود.
معظم له (ره) می گوید:

روزنامه ها در جلو ایشان گذاشته شده بود ، راجع به قضایای تدریجی کشف حجاب و جشنواره های آن در شیراز، تهران ، مازندران و
... صحبت شد و حرکت ضد اسلامی رضاخان و عوامل آن مطرح گردید ، حاج آقا حسین قمی متاثر شد و گریه زیادی کرد و فرمود:
« امروز اسلام فدایی می خواهد و من حاضرم فدا شوم .» بعد فرمود : من می روم تا با این شاه صحبت بکنم ، شاید که او را از تصمیمش
منصرف گردانم ، شما مردم را باید آگاه کنید و هشیار نمایید که توطئه عظیمی در کار است. بعد از آن حاج آقا حسین قمی به همراه دو
فرزندش حاج آقا سید مهدی و حاج آقا سید سمیع به تهران رفتند و مستقیماً با رضا شاه وارد مذاکره شدند، معظم له قبلاً هم تلگراف تندی
برای رضاشاه فرستاده بود. بعد از گفتگوی وی را در شهری (شاه عبدالعظیم) گرفتند و در باغ «سراج الملک» بازداشت کردند و
ممنوع الملاقاتش نمودند.

در پی تهاجم فرهنگی رژیم شاه و مزدور پهلوی به سنگر حجاب و پوشش زن مسلمان به پشتوانه استعمار غرب ، مراجع بزرگ تقلید
ایستادند و موضع صریح خویش را اعلان داشتند.

در مشهد آیات عظام همچون آیت الله شیخ هاشم قزوینی و میرزا حسین فقیه سبزواری و سید یونس اردبیلی و شیخ علی اکبر نهاوندی و
شیخ آقا بزرگ شاهرودی و شیخ ابوالحسن شیرازی و شیخ حسن کاشی و ... در این نهضت بزرگ شرکت داشتند و به پشتیبانی همین
امر انبوه جمعیت مردم مسلمان و زنان آزاده روزی در مسجد وکیل شیراز جمع شدند و روزی در صحن مطهر حضرت معصومه (س) و
روزی هم در مسجد جامع گوهرشاد مشهد در جوار بارگاه ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) اعتراض خویش را به سیاست های طاغوت
در زمینه حجاب زدایی اعلام داشتند.

حماسه ی جامع گوهرشاد

پس از دستگیری و بازداشت آیت الله حاج آقا حسین قمی در مشهد وضع متشنج گردید مسجد گوهرشاد محل اجتماع مردم و سخنرانان
متعهد و دلسوز علیه کشف حجاب و کلاه « بین المللی » یا به عبارتی دیگر فرهنگ منحط تحمیلی نظام شاهنشاهی گردیده بود. خطبای
معروف امثال شیخ مهدی واعظ خراسانی و شیخ عباسعلی محقق و شیخ شمس نیشابوری و شیخ محمد قوچانی و ... در آن روزها برفراز
منبر گوهرشاد (به نام منبر صاحب الزمان (ع)) می نشستند و به مردم آگاهی و بیداری می دادند.

صبح روز جمعه دهم ربیع الثانی ۱۳۵۴ هجری قمری برابر با ۲۰ تیرماه ۱۳۱۴ هجری شمسی مسجد گوهرشاد شور و حال دیگری داشت
جمعیت فراوانی به همراهی علما در آنجا اجتماع کرده بودند از سوی دیگر رضاخان قزاقان را در مشهد مستقر کرد تا مردم را متفرق
نمایند آنان وارد عمل شدند و بر روی مردم بی محابا آتش گشودند و حدود یکصد و پنجاه نفر را کشته و زخمی کردند لکن مردم متفرق
نگشتند و مقاومت کردند و در برابر آنان ایستادند. در پی آن مقاومت قشون قزاقان عقب نشینی کرده که در همین موقع تلگرافی مبنی در

مجاب (بلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه
دفاع از اسلام به شاه مخبره شد و هشت نفر از عالمان و آیات عظام بر آن امضا کردند همانند مرحوم آیت الله سید یونس اردبیلی و سید
عبدالله شیرازی و ...

پس از هجوم قزاقان و کشته و زخمی شدن عده ای در روز جمعه مردم اطراف مشهد با داس و بیل و چهار شاخ و اسلحه سرد به طرف
مسجد سرازیر شدند مسجد پر از جمعیت شده بود، زنان شجاع و آزاده مسلمان تقاضای شرکت در آن تظاهرات بزرگ داشتند که در
مسجد پیرزن چادر زدند و آنان نیز حضور پیدا کردند مرحوم نواب احتشام رضوی برای زنان سخنرانی کرد.

روز شنبه ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۵۴ هجری قمری فرا رسید؛ در دیوار مسجد گوهرشاد نیز پر از جمعیت بود. شعارهای ضد سلطنت و
ضد حجاب زدایی فضای مسجد را پر کرده بود آنان سرود مقاومت سر می دادند و وحشت عجیبی در میان نیروهای دولتی ایجاد کرده
بودند، تلگراف خانه مشهد محل رفت و آمدهای شتابزده ای شد که آنان با مردم چه کنند آیا مسجدیان را تار و مار کنند و همه را نابود
نمایند و یا با این وضع صبر کنند منتظر اوامر ملوکانه بودند.

نتیجه آن تماس ها این شد که سران لشکر و فرماندهان شهربانی و آگاهی نیروهای خود را آماده کنند و قزاقان در جاهای حساس شهر و
نقاط مهم مسجد گوهرشاد مستقر شوند و مسلسل های سنگین را بر بام های مشرف بر مسجد بگذارند و شایع نمایند این سازماندهی جهت
حفاظت از بانکها و اماکن دولتی است. اسدی نایب التولیة رضاشاه که از نقشه کشتار مطلع بود و چون می دانست که عده ای از مجتهدین و
خطباء بزرگ در میان مسجدند چنانچه آنان کشته شوند خراسان و چه بسا ایران یکپارچه آتش خواهد شد. شب یکشنبه در صدد برآمد
آنان را با حيله ای از مسجد خارج کند لذا به دروغ پیام فرستاد که تلگراف شما را اعلیحضرت همایونی پاسخ داده برای مذاکره به داخل
کشیکخانه تشریف بیاورید. آنها را از میان جمعیت بیرون بردند و سپس راه برگشت را بر آنان بستند و از مسجد هم خارجشان نمودند.

شب یکشنبه از نیمه گذشت. در نیمه های آن شب شیخ محمد تقی بهلول سخنانی را در دفاع از اسلام مطرح کرد و رژیم شاه را فاسد
دانست. خون مردم غیور و شجاع به جوش آمده بود شعارهایی بر علیه سلطنت فاسد سر می دادند در آن هنگام از سوی ماموران مزدور
داخلی آرامش مردم برهم زده شد. درگیری داخلی آغاز گشت و فشاری فوق العاده بوجود آمد. توپهای مستقر در خیابانهای «تهران» و
مسلسلهای سنگین اطراف توسط قزاقان رضاخانی به غرش درآمد، گویا روسیه تزار بار دیگر به سرکردگی ژنرال «روکو» وارد
عمل شده و فجایع سال ۱۳۳۰ قمری و برای فتح مسجد گوهرشاد پس از صدای شیپور به آن سوی حرکت کردند دژخیمان از خدا بی
خبر پای به درون خانه خدا گذاردند و به هیچ کس رحم ننمودند و به قول خودشان « کاری کردند که روسها نکردند ». صبحگاهان که
سپیده دمید فریادهای یا الله و یا علی و یا صاحب الزمان از آن کشتگان مظلوم خاموش گشته و به صورت خون بر در و دیوار مسجد نقش
بسته بود اینک قزاقان فاتح بر روی هزاران کشته پای می گذارند و خود را غالب می دانند ولی غافل از آنکه محکوم و مغلوبند و آینده از
آن بندگان صالح و نمازگزار است « و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون » زود است بدانند ستمکاران که بر سرشان چه خواهد آمد.

« کتب الله لاغلبن انا و رسلی » خداوند سبحان پیروزی بر ستمکاران را برای خویش و فرستادگانش نوشت و آن را حتمی نمود .

آری، رضا خان مزدور به حمایت انگلیس خبیث برای جا انداختن فرهنگ بی عفتی و فحشا غرب بین دو تا پنج هزار نفر از مؤمنین را در
مسجد گوهرشاد به خاک و خون کشید و به گفته ی بعضی از شاهدان عینی روز یکشنبه ۱۲ ربیع الاول ۵۶ کامیون جنازه را از مسجد و

حجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیما گاه اطراف آن برگرفتند و در محله خشت مالها و باغ خونی مشهد در گودالی ریختند . در میان جنازه های شهدا بعضی از زخمی های زنده را نیز دفن کردند . و بعد هم بیش از هزار و پانصد نفر از روحانیون و مردم را بازداشت نمودند و به زندان انداختند ، عده ای هم متواری شدند که بعدا از ایران به سوی نجف اشرف و جاهای دیگر گریختند و فراری گشتند .

مسئله حجاب و فلسفه سیاست

این روزها خبرهای بسیار از برخورد با زنان و دخترانی که از نظر پلیس ایران دارای پوشش نامناسب اسلامی هستند منتشر می شود . بحث از مسائل شرعی و قانونی این اقدامات در روزنامه ها و وبلاگها به وفور بچشم می خورد . برخی مبارزه با حجاب را با دین اسلام در تضاد می بینند و بعضی این طرح را دارای مشکلات قانونی و حقوقی می دانند . من در اینجا سعی خواهم کرد « مسئله حجاب » را از دیدگاه فلسفه ی سیاسی مورد بحث قرار دهم .

به نظر در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که کشور ایران دارای یک جامعه مذهبی - سنتی است و نوعی اتفاق نظر در مورد مسئله حجاب در « حس عام » [common sense] مردم ایران موجود است . تقریبا اکثریت غریب به اتفاق مردم معتقد هستند که درجه خاصی از پوشش به سبک اسلامی برای تمامی افراد لازم است . در واقع حذف کامل حجاب اسلامی و برخورد کاملاً غربی با پوشش از نظر اکثریت مردم قابل قبول نیست و می توان گفت که پدیده بی حجابی تنها مختص به قشر محدود و خاصی از جمعیت ایران است .

به وضوح می توان دید که سبک پوشش در محله های شمالی شهر تهران با محله های جنوبی بسیار متفاوت است . در عین حال با خارج شدن از تهران می توان گفت که مسئله بی حجابی اهمیت خود را کاملاً از دست می دهد و محدود به قشر بسیار محدودی از افراد می شود . برای مثال در شهرهایی مثل اصفهان و مشهد پدیده بی حجابی تنها مختص به محله های خاصی از شهر است که حجم بسیار محدودی از شهروندان را به خود اختصاص می دهند . در واقع اکثریت جمعیت ایران با معیارهای حجاب رسمی مخالفت چندانی ندارند . اما چرا مسئله ای که بنابر دلایل بالا بسیار محدود است اینگونه در رسانه های داخلی ، خارجی و وبلاگها گسترش پیدا کرده است ؟

بگذارید مسئله را با یک مقایسه روشن کنیم . مطمئناً تعداد افرادی که بدلیل جرایم ساده مثل جرایم رانندگی یا جرایم سطح پایین مانند دزدی و یا مصرف اندک مواد مخدر در ایران مورد پیگرد قانونی قرار می گیرند بسیار بیشتر از کسانی است که بدلیل نقص در حجاب اسلامی مجازات یا دستگیر می شوند . در عین حال سابقه نداشته است که اعتراضاتی با این حجم علیه مبارزه با جرایم رانندگی و یا دزدی و یا مصرف مواد مخدر در رسانه های خارجی و یا وبلاگها و روزنامه ها مطرح شده باشد . اما به وضوح هر دو گروه از این جرایم [جرایم مرتبط با حجاب اسلامی و جرایم ساده مثل جرایم رانندگی یا جرایم سطح پایین مانند دزدی و یا مصرف اندک مواد مخدر] به یک میزان در نزد « حس عام » اکثریت مردم ایران غیر قابل قبول محسوب می شوند . مسئله اینجاست که رسانه های خارجی ، رسانه های منتقد دولت در داخل ایران و اکثر صاحبان و استفاده کنندگان از رسانه های گروهی مانند وبلاگ و اینترنت از مخالفین مبارزه با پدیده بی حجابی بشمار می روند . رسانه های خارجی مثل بی.بی.سی که در ایران فعالیت دارند و یا آنهایی که مانند صدای آمریکا و رادیو فردا در خارج به تحولات ایران می پردازند همگی ریشه در فرهنگ لیبرال غربی دارند که مخالف دخالت دولت در حوزه خصوصی

مجاب (بلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیله گاه
افراد و سبک پوشش آنها است . در عین حال رسانه های منتقد دولت اکثرا علی رغم داشتن ریشه های اسلامی با روشهای خشونت آمیز
دولت در برخورد با این پدیده مخالف هستند و نه با نفس خود مبارزه . تاکید جناحهای اصلاح طلب و مخالف دولت بر مبارزه فرهنگی با
پدیده بی حجابی اگر چه با روش پلیسی و قضایی دولت متفاوت است اما در بنیاد بدنبال همان چیزی است که دولت قصد تحقق آنرا دارد .
قشر و بلاگ نویسان هم اکثرا تحصیلکردگان و جوانانی هستند که به اقتضای سن و موقعیت اجتماعی بیش از همه به گرایشهای لیبرال
مدرن متمایل هستند تا به سنتهای حاکم و شایع در جامعه ایران . بنابراین بی سبب نیست که ماجرای مبارزه با بی حجابی تا این حد در
رسانه ها گسترش یافته است .

همانطور که گفته شد با توجه با سازگاری « حس عام » اکثریت مردم ایران با استانداردهای رسمی حجاب ، در مبارزه با بد حجابی خطر
مستقیمی برای ثبات جمهوری اسلامی ایران ایجاد نمی کند و حتی در صورت تداوم آن ممکن نیست به نارضایتی عمومی منجر شود . اما
مسئله ثبات سیاسی یک مسئله مقطعی نیست و در طی زمان تداوم دارد . ثبات سیاسی بیش از همه وابسته به تحقق ایده آلهای مندرج در
« حس عام » مردم یک جامعه سیاسی است . برای مثال اگر در حس عام مردم یک جامعه ایده آل جامعه ای کمونیستی وجود داشته باشد و
در طی زمان طولانی این ایده آل تحقق پیدا نکند و امیدی نیز برای تحقق آنها متصور نباشد ، مسئله تغییر رژیم سیاسی و بی ثباتی آن در
صدر مسائل قرار می گیرد . حال باید دید آرمان مندرج در « حس عام » مردم ایران چیست . بنظر می رسد که مردم ایران بصورت کلی ،
در هر طبقه و گروه اجتماعی ، کم و بیش با ایده آل جامعه ای از نظر اقتصادی پیشرفته و ثروتمند به سبک غربی همراه با رژیم
سیاسی دموکراتیک که ناشی از انتخاب و رای آنها باشد موافق هستند . اقتصاد پیشرفته غربی و دموکراسی سیاسی ایده آل « حس عام »
مردم ایران را تشکیل می دهند . اکثریت مردم ایران خواهان دولتی پاسخگو و دموکراتیک هستند که نماینده اراده و رای آنها باشد . در
واقع نیاز به یک دولت پاسخگو و دموکراتیک بخشی از « حس عام » [Common sense] مردم ایران را تشکیل می دهد .

در عین حال نیاز به جامعه ای کاملا لیبرال و حامی آزادی های فردی و انتخاباتهای خصوصی افراد آرمان بخش محدودی از شهروندان را
تشکیل می دهد . اکثریت مردم ایران تمایلی به داشتن جامعه ای کاملا آزاد و لیبرال به سبک غربی از خود نشان نمی دهند . جامعه ای که
نسبت به مسئله - هم جنس گرایی ، آزادی در رابطه جنسی ، قانونی بودن خود فروشی ، آزادی مطبوعات پورنوگرافیک ، آزادی کامل
زنان و دختران ، استقلال فرزندان و سبک پوشش از روشهای متساهل غربی - تبعیت کند . این ایده و آرمان بخش بسیار اندک و
محدودی از جامعه ایرانی است .

اما با این همه واقعیت اینجاست که داشتن جامعه ای پیشرفته و مترقی به معنای اقتصادی و غربی آن با « حس عام » اکثریت مردم ایران
که مبتنی بر ایده هایی سنتی و مذهبی مانند محدودیت پوشش و حفظ ارزشهای اخلاقی و سنتی است سازگار نمی باشد ، زیرا رشد
اقتصادی که در کشورهای غربی مشاهده می شود ارتباط وثیقی با مبادلات فراوان با دنیای خارج مانند توریسم و مبادلات فرهنگی ، بالا
رفتن جمعیت نخبگان علمی ، صنعتی و مالی دارد که عموما از معیارهای مدرن غربی تبعیت می کنند . سعی در تحمیل یک نگرش خاص
نسبت به فرهنگ و آزادی های فردی بر تمامی افراد اجتماع اگر چه مبتنی بر حس عام و اراده ی اکثریت مردم ایران باشد منجر به فرار
صاحبان سرمایه ، نخبگان و قشر متوسط رو به بالا که دارای تمایلات غربی است از ایران شده ، مبادلات اقتصادی و فرهنگی را که

مجاب (جلد دوم) کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی فیض گاه
ارتباط فراوانی با توریسم، شرکتهای چند ملیتی و واردات و صادرات کالاهای لوکس غربی که نیاز به فرهنگ خاص و متنوعی دارند
را دچار اختلال می کند و در نتیجه امکان تحقق جامعه ای توسعه یافته و پیشرفته به سبک غربی را ناممکن می سازد .
آنچه امروز وظیفه فلسفه سیاست در ایران بشمار می رود نشان دادن تناقض میان اصول « حس عام » اکثریت مردم ایران که مبتنی بر
دموکراسی و آزادیهای محدود فردی در چهارچوب هنجارهای سنتی است و آرمانهای توسعه و رشد اقتصادی به سبک غربی که آن هم
بخشی از « حس عام » مردم ایران می باشد است . در واقع در درون « حس عام » مردم ایران نوعی عدم توازن میان اصول پذیرفته شده
سازمان اجتماع [دموکراسی و آزادیهای محدود به هنجارهای سنتی] و آرمانها [اقتصاد توسعه یافته و مترقی به سبک غربی] وجود
دارد . فلسفه سیاست باید نشان دهد که میان این دو ، تضادی موجود است که حل آن نیازمند تغییر یکی از دو مولفه های مورد اشاره است .
یا باید آرمان اقتصادی توسعه یافته و مترقی به سبک غربی را به کنارگذارد ، یا به شیوه ای در اصول « حس عام » مردم ایران بازبینی
صورت داد که تضاد میان اصول و آرمان رفع شود . می توان نوعی اقتصاد ابتدایی را پذیرفت و یا اینکه با ارائه تعبیری جدید از متون
مذهبی و سنتی جامعه ایران را به سمت تساهل نسبت به آزادیهای فردی متمایل ساخت .

تهیه و تنظیم از: آرتارحیمی

پایان جلد دوم

منتشر شده در

وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی

خیمه گاه

<http://moasese.blogfa.com>